

# توهم توطئه

«توهم توطئه نوعی بیماری روانی فردی و جمعی است. بیماری فردی سوطن به همه چیز و همه کس را «پارانویا» و بیماری جمعی را conspiracy theory می نامند. کسی که به «توهم توطئه» در مفهوم اخیر آن مبتلاست، تمام وقایع عمده سیاسی و سیر حوادث و مشی وقایع تاریخی را در دست پنهان و قدرتمند سیاست بیگانه و سازمان های مخوف سیاسی و اقتصادی و حتی مذهبی وابسته به آن سیاست می پندارد. به گمان او همه انقلاب ها، شورش ها، جنگ ها، عقب ماندگی ها و وابستگی های اقتصادی و سیاسی، برآمدن و فروپاشی سلسله ها و دولت ها، ترور های سیاسی و حتی کمبود محصولات کشاورزی، سقوط ارزش پول، قحطی ها و زلزله ها و دست پنهان بیگانه کارگردانی می کند و همه رجال کشور همچون عروسیکان خیمه شب بازی و بازیگران افسانه های جن و پری از پس پرده و با اشاره او حرکت می کنند و او را از خود ندانند. کسی که به توهم توطئه مبتلا است به نظر خود ایمان و اعتقاد دارد و بر این باور است که «تو موی بینی و من پیشش مو» تو ابرو و من اشارت های ابرو».

اینکه می گوئیم «توهم توطئه» نوعی بیماری است، بدین معنا نیست که اساساً هیچ توطئه ای در هیچ موردی در کار نیست و آنچه توطئه خوانده می شود، همه از باب خواب و خیال و توهم است. بلکه منظور آنست که مقوله «توطئه» را به دو گونه می توان بررسی کرد: یکی برخورد آفاقی و علمی و دیگر برخورد انفسی و عاطفی و بیمارگونه. در برداشت علمی، «توطئه» به عنوان فرضیه ای در نظر

می‌آید که قابل ردّ یا اثبات است، و در پرتو داده‌های عینی و اسناد و مدارک تاریخی و بدون جانبداری عاطفی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. حال آنکه «توهم توطئه» از اعتقاد راسخ و جزمی و تعبدی به نوع خاصی از توطئه شکل می‌گیرد و همچون سایر اعتقادهای، در قلمرو بررسی و تحلیل علمی قرار نمی‌گیرد و از این رو قابل اثبات یا ردّ و انکار نیست.

ترجمه تحت‌اللفظی مفهوم conspiracy theory به فارسی «نظریه توطئه» است، که معنای دقیقی آن را متبادر به ذهن نمی‌کند. واژه ترکیبی «نظریه توطئه» در زبان انگلیسی معنای خاصی با بار منفی دارد که دلالت می‌کند بر نوعی توهم و بیماری اجتماعی، حال آنکه در زبان فارسی این معنا را بدست نمی‌دهد. بنابراین به گمان ما «توهم توطئه» معادل بهتری در برابر مفهوم انگلیسی آن است.

«توهم توطئه» از مباحث «تبیین علی» یا تعیین علت برای امور و وقایع اجتماعی causal attribution و چگونگی شکل‌گیری آن در افکار عمومی و از موضوعات مورد بررسی در روان‌شناسی اجتماعی است. «توهم توطئه» در علوم انسانی و اجتماعی دیگر، همچون تاریخ، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، و علوم سیاسی نیز مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. مبحث «تبیین علی» در روان‌شناسی اجتماعی به انگیزه‌ها و منافع گروهی در شکل‌گیری «علت‌گزینی» مردم نسبت به رویدادهای اجتماعی می‌پردازد. معمولاً برای روشن شدن موضوع «تبیین علی» دو مثال ساده می‌آورند. یکی نظر معلمان در مورد علت موفق یا ناموفق بودن شاگردانشان است. به نظر غالب معلمان علت دانایی و فرهیختگی شاگردان برجسته آنان لیاقت و کاردانی و زحماتی است که معلم متحمل شده است، و اینکه زمزمه محبت معلم است که «جمعه به مکتب آورد طفل گریزپارا». حال آنکه علت ناموفق بودن شاگردان تپلشان را به نادانی ذاتی خود شاگردان نسبت می‌دهند؛ «ناکس به تربیت نشود ای حکیم کس». مثال دیگر، تبیین علی انقلاب هاست؛ هواداران انقلاب و یا کسانی که از آن سود جسته‌اند، همه انقلاب‌ها را، از انقلاب فرانسه گرفته تا روسیه و چین و انقلاب مشروطه ایران و انقلاب اسلامی به قیام دلیرانه توده‌های مردم پاراضی نسبت می‌دهند که بایست خالی در برابر نیروی عظیم حکومت‌های سبک‌بگر و مستحکم‌بهاخته و آنها را از پای درآورده‌اند. حال آنکه مخالفان انقلاب‌ها، محافظه‌کاران سیاسی، و بازندگان انقلاب‌ها، غالباً «علت» انقلاب را به دست پنهان و توطئه‌گر بیگانه نسبت می‌دهند یا فراموشی‌ها و سهولتیوم بین‌المللی و کارتل‌های نفتی و دستگاه‌های مخوف جاسوسی و ابرقدرت‌ها را یا حتی ائتلافی از همه آنها را به عنوان عامل اصلی انقلاب‌های عصر جدید سرزنش می‌کنند. بدیهی است که هیچکدام از این توهمات راهی به شناخت عینی و علمی علل موفقیت و ناکامی شاگردان و یا علل انقلاب‌های بزرگ و شورش‌ها و حوادث تاریخی ندارند و در هر مورد باید به بررسی و تحقیق و تحلیل دقیق پرداخت و نقش عوامل گوناگون و سهم هر یک را با فکر باز و آزاد و بدون تعبد و تحزب باز شناخت.

«توهم توطئه» از نظر شالوده‌فکری یا ساختار ذهنی بر ثنویت استوار است. یعنی بخش کردن

جهان به دو بخش نیک و بد، جهان خودی (مثلاً ایران) که نیکو سرشت و یزدانی است و جهان بیگانه (مثلاً آیران) که تبه‌کار و اهریمنی است. جهان شر (مثلاً استکبار جهانی)، که بسیار پر توان و نیرومند است، سیر حوادث تاریخ را به سود خویش می‌گرداند و نیروهای یزدانی (مثلاً مستضعفان) را قربانی منافع تبه‌کارانه خویش می‌سازد.

ایمان به «توهم توطئه» از نظر پیامدها یا کارکردهای روانی و اجتماعی، برای کسانی که به آن

اعتقاد دارند، آرامش خاطر می‌آورد و همچون ساز و کارهای دفاعی روانی این فرصت را به آنان می‌دهد تا از خود رفع مسئولیت کنند و همه تقصیرها را به گردن توطئه بیگانگان بیندازند. مثلاً عقب ماندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را به گردن استعمار بگذارند؛ و یا «به تاریخ پاسخ گویند» تا ناتوانی خویش در اداره امور کشور در لحظات بحرانی و شورش‌ها و انقلاب‌های ناشی از آن را به توطئه پشت پرده بیگانگان منتسب سازند و مسئولیت تاریخی خود را لوٹ کنند؛ و یا ناپسامانی اقتصادی و سقوط ارزش پول را به توطئه بیگانگان نسبت دهند تا از خود رفع مسئولیت کنند.

«توهم توطئه» غالباً از سوی دولت‌ها و نیروهای درگیر داخلی ساخته و پرداخته می‌شود و به صورت جزوه‌ای و کتابی و خبری پخش می‌گردد، اما آنچه از نظر روان‌شناسی اجتماعی اهمیت دارد، پخش پیام نیست، بلکه میزان تأثیرپذیری پیام است. مثلاً در دهه ۱۳۶۰، لیندن لاروش (Linden Larouche) و هوادارانش که از «توطئه پردازان» و «شایعه‌سازان» بنامند، چند کتاب و مقاله منتشر کردند و مقامات بلند پایه آمریکایی از کاخ سفید گرفته تا شورای امنیت ملّی و وزارت خارجه را ستون پنجم دستگاه جاسوسی انگلستان نامیدند که به اشاره «ارباب» خویش یعنی انگلستان، انقلاب اسلامی را در ایران تدارک دیده‌اند، اما در حالی که این پیام هیچ تأثیری در میان محافل آمریکایی نداشت، سخت مورد توجه و پذیرش محافل ایرانی قرار گرفت که این نوشته را شاهد صیقل بر این باور خویش پندارند که سر نخ همه تحولات جهان در دست انگلیس‌هاست و سیاست انگلیس نیروی محرکه تاریخ است و هر چه در جهان می‌گذرد زیر سر آنهاست.

«توهم توطئه» غالباً به صورت یک دستگاه فکری منسجم شکل می‌گیرد و

شالوده جهان بینی افراد و گروه‌های اجتماعی را بنیان می‌نهد. «توهم توطئه» غالباً میان وطن پرستان افراطی، سنت پرستان مذهبی و محافظه کاران راست‌گرای سیاسی نفوذ می‌کند و رونق می‌گیرد و جزء لاینجزای ایدئولوژی سیاسی آنان می‌شود. مثلاً میلیشیا‌های مذهبی آمریکایی، که در مظان اتهام دست داشتن در انفجار ساختمان دولت فدرال آمریکا در شهر اوکلاهوما هستند، بر این باورند که یک توطئه

«توهم توطئه»  
را در ایران به  
دو مقوله کلی  
می‌توان تقسیم  
کرد: یکی  
توطئه روس و  
انگلیس و  
آمریکا در  
دوران معاصر  
و دیگر توطئه  
نیروهایی که  
از هنگام  
تأسیس این  
کشور تا به  
امروز آن،  
دسیسه چینی  
می‌کنند.

توطئه و

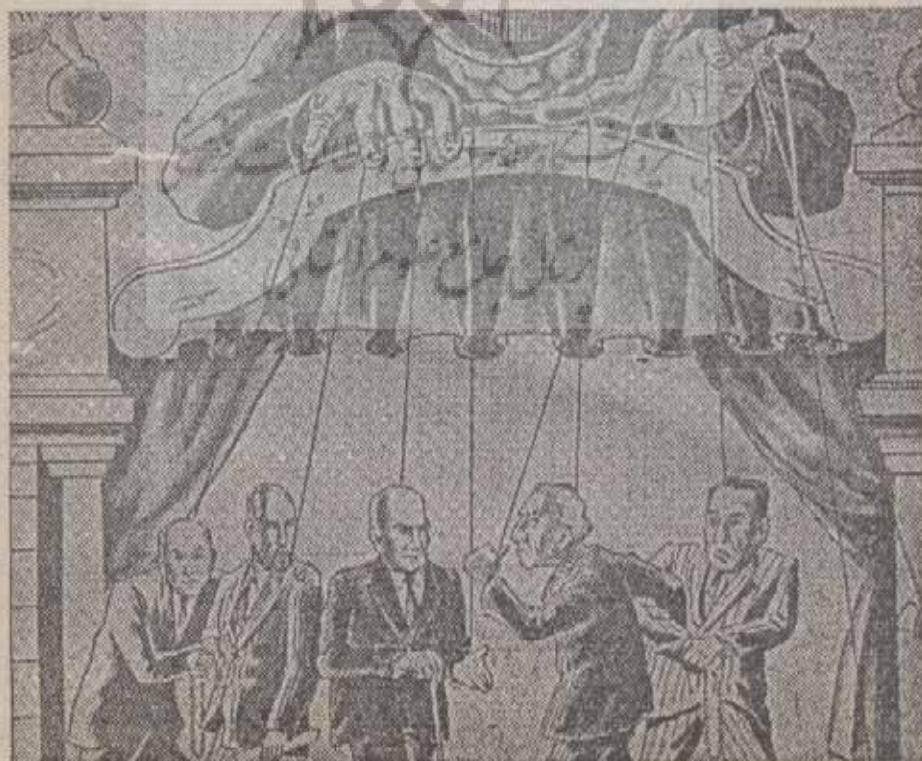
بزرگ جهانی علیه ملت آمریکا و مسیحیت راستین (که به گمان آنان مذهب پروتستان است) از سوی قوم یهود، کلیسای جهانی کاتولیک، جهان اسلام، لیبرال های جهانی، فراماسون ها و مانند آنها در جریان است که به صورت نظم نوین جهانی متبلور شده و به دست سازمان ملل متحد و دولت فدرال آمریکا رهبری می شود. بنابراین «توهّم توطئه» به عنوان یک مقوله عینی که بتوان آن را بررسی و تحلیل و مآلآرد یا اثبات کرد در نظر نمی آید. بلکه مقوله ای اعتقادی و ایمانی و تعبدی است که «به شیر اندرون می شود و با جان بدر می رود»<sup>۱</sup>.

«توهّم توطئه» را در ایران به دو مقوله کلی می توان تقسیم کرد: یکی توهّم توطئه روس و انگلیس و آمریکا در دوران معاصر و دیگر توطئه دشمنان تاریخی ایران، که از هنگام تأسیس این کشور به دست ایرج، نخستین پادشاه افسانه ای ایران زمین، تا به امروز برای خوار کردن آن دسیسه چینی می کنند.

#### یکم پیدایش «توهّم توطئه» در وضعیت نیمه استعماری

##### ۱.۱. قرارداد ۱۹۰۷ و پیدایش توهّم توطئه

توهّم توطئه قدرت های استعماری در ایران به طور مشخص، از سال ۱۹۰۷ آغاز می شود. سالی که ایران رسماً به صورت نیمه مستعمره در می آید و تا دو دهه عرصه تاخت و تاز قشون اجنبی و رقابت های آنان می گردد. در سال ۱۹۰۷ روس و انگلیس ایران را رسماً به مناطق نفوذ خویش تقسیم



می‌کنند و با استفاده از ضعف روزافزون دولت مرکزی و سرسپردگی رجال کشور به طرز بی سابقه و گسترده‌ای در امور داخلی کشور دخالت می‌کنند.

رسم سرسپردگی و تحت‌الحمایگی رجال کشور به سفارتخانه‌های خارجی با برقراری کاپیتولاسیون در نیمه اول قرن ۱۹ آغاز می‌شود. بهانه اصلی دول خارجی در تحمیل کاپیتولاسیون سلطه استبداد سیاسی و استبداد دینی و ضعف محاکم عدلیه بود؛ نداشتن قواعد و مقررات یکپارچه، نبود آئین دادرسی مشخص، نبود قاعده فراغ و صدور آراء متعدد ناسخ و منسوخ درباره یک دعوی از سوی محاکم متعدد و متنوع شرع و عرف، و سستی در اجرای احکام محکمه‌ها. در این اوضاع و احوال، نالیمنی رجال سیاسی و تجار نسبت به جان و مال و ناموس خود آنان را نیز تشویق می‌کرد تا برای ایمن شدن از تعدیات حکومت استبداد خود را در پناه حمایت روس یا انگلیس قرار دهند تا بتوانند از مزایای کاپیتولاسیون استفاده (و غالباً سوء استفاده) کنند. اعدام صدور بزرگ دوران قاجاریه (میرزا ابراهیم کلانتر، میرزا ابوالقاسم قائم مقام و میرزا تقی خان امیر کبیر)، چوب و فلک کردن و تبعید و کور کردن شاهزادگان و رجال دیوانی و تجار، مصادرهٔ منقول و اموال مردم و ماترک متوفی از سوی شاه و حکام و برخی از علماء از عوامل این نالیمنی بود. ناصرالدین شاه خود شاهد عدل است بر این وضع: «اطمینان عامه حاصل نمی‌شود مگر به امنیت، امتیث فرغ قانون است و قانون لازمه اش اجراء»<sup>۲۴</sup>.

با آنکه رسم سرسپردگی و تحت‌الحمایگی روس و انگلیس در قرن ۱۹ برقرار بود، لکن تا ناصرالدین شاه زنده بود و دولت مرکزی ولو به ظاهر، اقتدار داشت، دخالت روس و انگلیس هم بالنسبه محدود بود و هم بر کسی پوشیده نبود و رقابت‌های آن دو با یکدیگر تا حدی مانع گسترش نفوذ دیگری در امور داخلی کشور می‌شد. با شورش تنباکو و وامدار شدن دولت و سرانجام قتل ناصرالدین شاه، شیرازهٔ امور حکومت، که با هیئت و اقتدار و تداوم نیم قرن سلطنت وی، بالنسبه نظمی داشت به کلی از هم گسیخته شد و حکومت مرکزی تا پایان دورهٔ قاجاریه ناتوان و ورشکسته باقی ماند. در این میان نهضت مشروطیت ایران، که از حمایت انگلستان در برابر روسیه برخوردار بود، بیش از پیش دولت مرکزی را ناتوان کرد. تا اینکه با قرارداد ۱۹۰۷ میان روسیه و انگلستان، ایران رسماً به صورت نیمه مستعمره درآمد و عرصهٔ رقابت و تاخت و تاز بیگانگان شد.

قرارداد ۱۹۰۷، حاصل یک سلسله ائتلاف‌هایی بود که دولتهای انگلیس و روس و فرانسه برای مقابله با آلمان از سال ۱۹۰۴ میان خود برقرار کرده بودند. مثلاً مراکش را به فرانسه، مصر و بخشی از جنوب ایران را به انگلستان و تمامی شمال و بخشی از مرکز و جنوب کشور را به روسیه تزاری واگذار کردند. اما انعقاد این قرارداد مصادف با زمانی بود که دولت مرکزی ایران به شدت تضعیف شده و مشروطه طلبان ایران، که به انگلستان دل بسته بودند، یکباره دچار سرخوردگی عمیق شدند و این قرارداد را به درستی اهانت بزرگ به ملت خویش تلقی کردند. اما برای تبیین آن به جای تحلیل منطقی

و آفاقی روابط بین‌المللی و عوامل گوناگونی که به ایجاد وضع نیمه استعماری در ایران انجامیده بود، به افسانه‌سازی و خیالبافی متوسل شدند. یکی از دلایل آن ابتدایی بودن تاریخ‌نگاری و علم سیاست و روابط بین‌المللی در میان ایرانیان بود. پس طبیعی بود که بررسی منطقی و انتقادی و علمی و آفاقی توطئه جای خود را به توهم و خیالبافی و افسانه‌پردازی و اسطوره‌سازی درباره توطئه بدهد. تأیید قرارداد ۱۹۰۷ در سال ۱۹۱۵ میان روس و انگلیس که همراه فرانسه علیه دول مرکز (آلمان، اتریش و عثمانی) وارد جنگ جهانی اول شده بودند، اشغال ایران به دست قشون متفقین و متحدین و جنگ‌های آنان با یکدیگر و دخالت‌های مستقیم آنان در امور داخلی کشور (از جمله در انتخابات مجلس و در تشکیل و سقوط کابینه‌ها و انتصاب و عزل حکام و مقامات کشوری و لشکری)، انعقاد قرارداد نافرجام ۱۹۱۹ ایران و انگلیس که کشور را تحت‌الحمایه انگلستان می‌کرد و سرانجام کودتای ۱۹۲۱ که با حمایت انگلستان به انجام رسید و منجر به تأسیس سلسله پهلوی گردید، جملگی سبب ایجاد اعتقاد عمیق مردم به دسیسه‌ها و توطئه‌های نامرئی بیگانگان، و در رأس آن انگلستان، در هر حادثه و واقعه‌ای بود.

در این زمان بود که رسم سرسپردگی رجال کشور به قدرت‌های خارجی ابعاد تازه و گسترده‌ای پیدا کرد، هم سفارتخانه‌های خارجی یعنی روس و انگلیس و آلمان و عثمانی، و هم قشون و یا عوامل آنها، که در ایران فعال می‌پاشد بودند، بوسیله رجال کشور در امور داخلی ایران مداخله می‌کردند. رجال کشور نیز هم از نظر ایمنی و هم به منظور کسب قدرت سیاسی و اقتصادی به سفارتخانه‌ها متوسل می‌شدند و حتی با اغراق در ارتباط با عوامل خارجی و پراکندن شایعه آگاهی از اخبار پشت پرده سیاسی برای خود کسب احترام کرده و با استفاده از «امداد نامرئی قدرت»، موقعیت سیاسی خویش را تحکیم و رقیبان خود را از صحنه پیر می‌کردند. به این ترتیب رجال کشور خود را پراکندن شایعه سرسپردگی و ارتباط خویش با قدرت‌های بیگانه بر یکدیگر پیشی می‌جستند و توهم توطئه را دامن می‌زدند.

با آنکه توهم توطئه ابر قدرت‌ها، شامل روس و انگلیس و آمریکا است، اما اعتقاد به «دست پنهانی سیاست انگلیس در ایران» از همه عمیق‌تر است..

از همین زمان بود که تاریخ‌نگاران ایران نیز بازنویسی شد و به روایت تازه یعنی روایتی که سرانگشت دسیسه روس و انگلیس را در ایجاد هر حادثه و واقعه‌ای میدید و همه چیز را به آنان منسوب می‌کرد ساخته و پرداخته شد. بدین گونه بود که تاریخ معاصر ایران به توهم توطئه آلوده شد و شعور جمعی ایرانیان را، که به اسطوره و افسانه و معجزه و اغراق شاعرانه در هر امری سخت پایبند است، مبتلا به بیماری مزمن توهم توطئه کرد.

## ۱.۲. «دست پنهان سیاست انگلیس در ایران»

با آنکه توهم توطئه‌ی ابرقدرت‌ها، شامل دسیسه‌های روس و انگلیس و آمریکا در ایران است، اما اعتقاد به «دست پنهانی سیاست انگلیس در ایران» از همه ریشه‌دارتر و عمیق‌تر و پایدارتر است. مضمون اساسی این توهم آنست که سرورشته‌ی تمام تحولات تاریخ معاصر جهان، از جمله تحولات عمده‌ی ایران از جنگ ایران و روس در اوایل قرن ۱۹ گرفته تا فتنه‌های داخلی و پیدایش مذاهب تازه، انقلاب مشروطه و تأسیس سلسله پهلوی و حتی تأسیس نهضت‌های چپ و ملی تا وقایع ۱۵ خرداد و انقلاب اسلامی ایران جملگی کار انگلیس‌ها است. انگلیس‌ها در نقش‌روباهی مکار و حیله‌گر که «با پنبه سر می‌برد» در صحنه‌ی سیاست ایران و جهان ظاهر می‌شود. قدرت پنهان انگلیس اسرارآمیز و معجزه‌آسا است. سیاست انگلیس «رومن‌های خام‌طبع» و آمریکائیان «ساده‌لوح» را بازی می‌دهد. در این میان، توهم توطئه انگلیس، که از قرن هجدهم در آلمان و فرانسه پدید آمده بود تیز به وسیله ایرانیانی که در آن کشورها درس خوانده بودند و سفارتخانه‌های روس و فرانسه و آلمان و عثمانی در میان مردم پخش می‌شد و به گستره‌ی افسانه‌ای دسیسه‌های انگلیس دامن می‌زد.

بخش عمده‌ی توهم توطئه معطوف به سیاستمداران و جبهه‌ی علمای است که به ظاهر بر علیه منافع انگلستان عمل می‌کنند ولی در واقع «بعل و ارواح» می‌زنند و همچون عروسکان خیمه‌شب‌بازی سرنخشان در دست پنهان سیاست انگلیس است. مثلاً سران کمیته‌ی ملی ایران در برلن، که به رهبری تقی‌زاده در جریان جنگ اول جهانی برای مبارزه با سران انگلستان تأسیس شده بود، رجالی که علیه قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس مبارزه کردند، رهبران حزب توده که در دهه ۱۳۳۰ با شرکت نفت مبارزه می‌کردند، سران نهضت ملی شدن نفت که بزرگترین شهرت را به امپراطوری انگلیس وارد کردند، عاملان قیام پانزده خرداد و انقلاب اسلامی و حتی سازمان‌های چریکی که با رژیم سابق ایران می‌جنگیدند، «جملگی از آشپزخانه‌ی توطئه لندن سراب می‌شینند».

افسانه سیاست انگلیس بر تاریخ‌نگاری این دوران نیز اثری عمیق می‌گذارد و تاریخ قرن نوزدهم ایران به منظور افشای دست پنهان سیاست انگلیس در دوران قاجاریه بازسازی و بازنویسی می‌شود. دو کتاب بر تأثیر در این زمینه یکی «دست پنهان سیاست انگلیس در ایران» به قلم احمد خان ملک ساسانی، و دیگر «تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹ میلادی» تألیف محمود محمود است. خان ملک ساسانی کتاب خود را با این فرضیه آغاز می‌کند که:

«چون ایران نادرشاه که یکصد میلیون سکه داشت اسباب وحشت کمپانی هند بود لذا دولت انگلستان با یک برنامه‌ی معین و مرتب در صدد تجزیه ایران برآمد».<sup>۵</sup>

بخش عمده‌ی کتاب درباره‌ی توطئه‌های بی‌دری انگلستان برای تجزیه ایران است؛ طرح تجزیه قفقاز و گرجستان با برانگیختن جنگ ایران و روس و عهدنامه‌های گلستان و ترکمان‌چای، اغوای

پسران فتحعلیشاه پس از مرگ وی به قیام برای تصرف تاج و تخت و ایجاد جنگ داخلی و تقسیم مملکت محروسه میان خود و سپس فرار دادن آنان از زندان اردبیل و پناه دادن به آنان و وضع مقرری و وظیفه برای هر یک، تحریک آفاخان به تجزیه کرمان و سیستان و بلوچستان، تحریک افغانه برای تصرف سیستان، تحریک تراکمه برای تصرف گرگان، تحریک عثمانی ها برای تصرف بحرین، تحریک محمد تقی خان چهار لنگ برای تجزیه بختیاری و لرستان و خوزستان، و توطئه برای تجزیه میدان نفت ذهاب از ایران.

دومین بخش افسانه های کتاب به داستان قتل قائم مقام و امیر کبیر اختصاص دارد که در هر دو مورد به جای تجزیه و تحلیل وقایع با استعانت از اسناد و مدارک تاریخی به شایعه بافی های بی اساس پرداخته است (در هر دو مورد فریدون آدمیت اسناد و مدارک موجود را بررسی و تحلیل کرده و نقش عوامل گوناگون و از جمله سفارتخانه های روس و انگلیس را بر شمرده است). به عنوان نمونه چهار صحنه از افسانه قتل امیر کبیر را که به داستان امیر اوسلان نامدار شباهت دارد می آوریم. صحنه اول را خان ملک بدینگونه آراسته است که رقاصه حرم به شاه می گوید «اگر شما نقاش خوبی هستید اول صورت آن یارو را که می خواهد شاه بشود بسازند» و در پاسخ شاه که «کدام یارو؟» می گوید «میرزا تقی خان» و ادامه می دهد:

«خدمت سرکار مهدعلیا بودم که نبات جهود که جواهر برای فروش به انقوون میاورد این حرف را گفت. نواب صدرعلیا پرسیدند از کجا شنیدی؟ گفتم از زن قونسول».

در صحنه دوم، خان ملک ساسانی سه نفر را در جلسات توطئه مشخص می کند. یکی از علمای اهل بحرین و یکی از سادات هندی و یک نفر فرنگی با لباس مدل که غالباً در «تعزیه توهّم توطئه» ظاهر می شوند و کارهایی را که به سود ایران است تخطئه می کنند و بر ضد خادمان ملت دسیسه می چینند. سرانجام در صحنه سوم امیر معزول و در صحنه چهارم به قتل می رسد. در همه این صحنه ها دست پنهان سیاست انگلیسی کارگردان اصلی است و مطالبات فرنگی از دیگر افسانه های کتاب، توطئه های انگلستان علیه منافع روسیه در ایران است که شامل دو مورد می شود. یکی توطئه قتل گریبایدوف سفیر روسیه در سال ۱۸۲۸ برای برهم زدن روابط دو کشور و دیگر تحریک و اغوای روسها برای به توبه بستن گنبد امام هشتم (ع) از نکات جالب در بازسازی تاریخ قاجاریه بر مبنای توهّم توطئه آنست که در غالب موارد خاطرات تلخ و بلکه وحشتناک جنایت های روسیه تزاری در تجزیه ایران، در تجاوز به خاک ایران، در کشتار فجیع آزادیخواهان ایران و در فعالیت های تاجر باشی های روس و بانک استقراضی و سرسپردگان آن دولت نه تنها به دست فراموشی سپرده می شود بلکه به سود ایران تلقی گردیده و گناه همه آنها به گردن انگلیس ها می افتد.

خان ملک ساسانی در بخشهای پایانی کتاب به خاندانهای ابادی انگلیس می پردازد:

«عده این خانواده ها مطابق آماری که در دست است در درجه اول ۲۰ خانواده و در درجه دوم



شاید ۸۰ خانواده قدیم و جدید . . . هر خانواده ای را که می بیند افراد آن از یکصد سال به این طرفه در این مملکت همیشه بدون وقفه مصدر کارند، بدانند که همه آنها از خدمتگذاران بریتانیای کبیرند . . . دوازده نفر از اشخاص سرجنابان ایران که با کلنل شیل وزیر مختار انگلیس در تهران برای مقبول ساختن میرزا تقی خان امیر کبیر همکاری و همراهی کرده بودند اولاد و اخفادشان پس از یکصد سال که از قتل امیر می گذرد هنوز روی مسندها نشسته و حساسترین پستها را اشغال کرده اند. . . باید دید چند نفر از آنان تذکره انگلیسی دارند»<sup>۸</sup>.

به گمان نویسنده سفارت بریتانیا از شیوه پاداش و مجازات رجال استفاده می کند. چنانکه «تا اواخر قاجاریه سفارت انگلیس به جاسوسان ایرانی خود از ۲۵۰ تا ۱۰۰۰ تومان حقوق میداد که لزبانک شاهی دریافت می کردند ولی از زمان پهلوی، حقوق ماهیانه جاسوسان بصورت انعام موقت درآمده و کمپانی نفت سابق به هر کس که خدمت شایسته ای دیده بود او را دعوت به آبادان می کرد و پس از پذیرایی شایان یک جام زرین بر از طلا که به اصطلاح (فول گلاب) می گفتند به خدمتگذاران صمیمی انعام میداد» نویسنده کتاب آنگاه به مجازات مخالفان سیاست انگلیس می پردازد و می گوید: «هر گناه یکی از مأمورین دولت از اجرای دستور سفارت غفلت می ورزید برای آنکه بیاد مخالف بیاورند که اختیار مملکت در دست کیست چند ماهی با دست دولت وقت به زندانش می انداختند و سپس ازادش ساخته و تلافی می کردند»<sup>۹</sup>.

محمود محمود در کتاب هشت جلدی «روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی» همان مضامین کتاب «دست پنهان سیاست انگلیس در ایران» را با استفاده از برخی کتاب های خارجی به همان سبک روزنامه نگارانه به تفصیل بیان می کند. به گمان مجتهد میرزا محمد تقی و آغا محمد خان دارای همه چیز بود، مردم نیز تا اواخر قرن نوزدهم در رفاه بودند و هر کس حد خود را در نظام مراتب اجتماعی می شناخت و از آن تجاوز نمی کرد. انگلستان که اساساً بدخواه ایران بود از اولین حامیان خوار و ذلیل کردن ایران سود می جست و تمام اقدامات آنها را از پشت پرده هدایت می کرد: از جنگ های ایران و

روس و عهدنامه های گلستان و ترکمان چای گرفته تا تأسیس قزاقخانه و بانک استقراضی و اشغال ایران و کشتار مردم. انگلستان برای از میان بردن ایران با دو مانع بزرگ روبرو بود: «اول دربار شاه و دوم روسها. مانع اول را با مشروطیت ایران و دومی را با معاهده ۱۹۰۷ از میان برداشتند . . . بواسطه این دو پیشامد ایران رو به زوال گذاشت و هر چه داشت از دست داد».

«تاهمان اوان انقلاب هنوز باد مسموم مهلک آزادی به مزرعه سبز و خرم ایران نوزیده بود و افسار

غالب ایرانیان،  
مطامع استعماری  
روسیه، تزاری  
و اتحاد جماهیر  
شوروی در ایران  
را به  
وصیتنامه  
ساختگی پطر کبیر  
نسبت می دهند.  
این وصیتنامه  
را مهاجرانی  
لهستانی در  
پاریس به سال  
۱۷۹۵ جعل  
کردند.

طبقه رذل و پست جامعه ایرانی گسیخته نگشته بود. طبقات مختلفه ایران از هر صنف و رسته که تصور شود هر یک در دایره معمول و معین خود به سنن جاری کشور به کسب و کار مشغول بودند.<sup>۱۰</sup>

از دیدگاه محمود محمود و بسیاری از هواداران توهم توطئه، عامل اصلی این توطئه بزرگ علمای روحانی بودند که با خرج مبالغ زیاد از اوقاف هند، که در اختیار وزیر مختار انگلیس بود، راه شورش را هموار کردند. نیت اصلی انگلستان در «تحریک ایرانیان برای مشروطه خواستن جزو نقشه بوده برای عملی نمودن قرارداد ۱۹۰۷». سپس می گوید «نقشه انگلیسها برای زوال سلطه قاجار، که تقریباً یک قرن بود تحت حمایت روسها قرارداد شد، این بود که میبایست با دست خود روسها از بین بروند».<sup>۱۱</sup> خلاصه آنکه: «انگلیسها» ناصرالدین شاه را کشتند برای اینکه مظفرالدین شاه غلیل و پیر فرسوده به جایش نشینند. محمد علی شاه را برداشتند تا یک طفل نارسن تاج و تخت ایران را تصاحب کند.<sup>۱۲</sup>

سقوط قاجاریه و ظهور پهلوی یکی از مضامین محبوب توطئه پردازهاست. برخی از آنان بر این باورند که انگلستان از زمان عهد نامه ترکمانچای، که روسها سلطنت قاجار را در اولاد و احفاد عباس میرزا برقرار کردند، انگلستان نیز طرح سرنگونی قاجاریه را تدوین کرد. در این توهم تاریخی، احمدشاه فدای مقاومت سرسختانه اش دوبرابر قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس شد، که ایران را تحت الحمایه انگلیس می کرد. در حالی که این افسانه پرداخته اطرافیان احمد شاه و یکی عاری از حقیقت است. برطبق اسناد موجود احمد شاه برای حمایت از قرارداد و ماهی ۱۵،۰۰۰ تومان مقرری می گرفت.<sup>۱۳</sup>

در اینکه کودتای اسفند ۱۲۹۹ با حمایت دو جناح از حکومت بریتانیا صورت گرفت (حکومت هند و ارتش انگلیس) حرفی نیست اما اینکه رضاخان آن روز و رضاشاه بعد عامل بی اراده بریتانیا بود و هر کاری که می کرده فرمان از ما پهلوان صورت می گرفت، همه شبیهه از مضامین توهم توطئه است. در این افسانه رضاخان تنها به خاطر قامت بلند و شانه پهن و سیل چرخماقی و قیافه پرهیبت از سوی مأموران خفیه انگلیس برای کودتا انتخاب می شود و ناگاه از سربازی ساده به پادشاهی کشور ۲۵۰۰ ساله می رسد و تا پایان عمر همچون عروسک خیمه شب بازی به اشاره سر انگشت پنهان انگلستان می رقصد. حال آنکه رضاخان یکبار دیگر در سال ۱۹۱۷ به ابتکار خودش طرح کودتایی را با حمایت امپراطوری آلمان ریخته بود.<sup>۱۴</sup> بررسی اسناد این دوران نشان می دهد که رضاشاه هر چه بود عامل بی اراده هیچکس از خودی و بیگانه نبود. فهرست افسانه ای دسیسه های انگلستان شامل تأسیس راه آهن سراسری ایران (که گفته می شود انگلستان در جنگ دوم جهانی به آن نیاز داشت و در عمل نیز از آن استفاده کرد)، تأسیس بانک ملی ایران و نشر اسکانس (جهت غارت طلا و نقره کشور)، تأسیس فرهنگستان زبان و اشاعه فارسی سره (جهت درگیری با اعراب)، کشف حجاب (به

منظور آلودگی فرهنگ اسلامی)، حتی کشف توطئه های ساختگی بوسیله پرونده سازان فاسد و یا خونخواری همچون درگاهی، آبرم و مختار (به منظور ترساندن رضاشاه و تحکیم وابستگی وی به انگلستان)، قتل تیمور تاش، نصرت الدوله و سردار اسعد و خودکشی داور (که آلت فعل انگلستان شده بودند) و حتی تأسیس حوزه علمی قم به دست مرحوم حائری (به عنوان سدی در برابر اشاعه کمونیسم) را به دست پنهان بریتانیا متسوب می کنند. حال آنکه از آنسوی، سرکوب حوزه علمی و نهادهای مذهبی به دست رضاشاه را جملگی به دستور استعمار انگلیس دانسته اند.<sup>۱۵</sup>

اعطای امتیاز نفت جنوب به انگلستان در سال ۱۹۰۱ و الغاء امتیاز و تجدید مدت آن در سال ۱۹۳۳ و حتی جریان ملی شدن صنعت نفت در ۱۹۵۰ از مضامین داغ توهم توطئه است. افسانه بودن امتیاز نفت داری توسط جاسوسان انگلیسی که خیرنگاران فرانسوی و اطریشی ساخته بودند برای سالیان دراز میان ایرانیان محبوبیت زیاد داشت. ماجرای ظهور معجزه در سقاخانه شیخ هادی که منجر به قتل مازور ایمری، نایب کنسول آمریکا شد، به عنوان توطئه انگلستان پنداشته می شد تا حریف و رقیب آمریکایی خود یعنی شرکت نفت سیکلم راه، که گویا در آستانه دریافت امتیاز بود، از میدان بدر کند. حال آنکه ظهور معجزه امری اتفاقی بود و این سردار سپه بود که با تلف کردن ایمری در بیمارستان شهربانی فرصت یافت تا حلقه حکومت نظامی خود را تنگ تر کند.<sup>۱۶</sup> بر اساس توهم رایج دیگر، لغو امتیاز نفت داری در سال ۱۳۱۲ از سوی رضاشاه و انقضای قرارداد جدید که مدت امتیاز را تا سال ۱۳۷۱ تمدید می کرد یعنی ۳۲ سال بر مدت قرارداد می افزود، به عنوان طرح از پیش اندیشیده دولت انگلیس و شرکت نفت تصور می شود. زنده نام دکتر محمد مصدق و صحنه سازی های تمدید قرارداد نفت را بدینگونه توصیف می کند:

۱. اولین رل به دست مدیران اطلاعات صورت گرفت که طبق دستور شرکت اعتراض نمودند.

۲. رل دوم را خود شرکت نفت برای بازی کردی که بدولت اعلام نمود حق امتیاز سال ۱۳۱۰ کمتر از یک چهارم سال قبل خواهد بود...

۳. رل سوم را خود شاه بازی فرمود که امتیاز نامه را با انقضاء دو بخاری و سوخت...

۴. چهارمین رل به دست دکتر پنهان وزیر خارجه چک اهلواکی صورت گرفت که به جامعه ملل پیشنهاد نمود دولت ایران و شرکت نفت باهم وارد مذاکره شوند...

۵. پنجمین رل را آقای سید حسن تقی زاده بازی کرد که قبل از تقدیم به مجلس، قرارداد را منتشر نمود و به معرض افکار عمومی قرار نداد.<sup>۱۷</sup>

بررسی اسناد و مدارک موجود نشان می دهد که عامل اصلی این افتضاح بزرگ تاریخی استبداد رأی و عدم اطلاع شخص شاه از طرز کار شرکت نفت و رابطه آن با دولت بریتانیا و ناآگاهی وی از بهترین راه حل برای حفظ منافع ایران در آن شرایط بوده است و نه خیانت شاه و رجال ایران و صحنه

سازی های بریتانیا.<sup>۱۸</sup> نظیر همین اتهام های بی اساس را به جریان ملی شدن صنعت نفت و رهبر نهضت ملی ایران نیز وارد می کردند. مثلاً در اواخر سال ۱۳۳۹ که موضوع ملی کردن صنعت نفت مطرح شده بود بسیاری از مردم که مفهوم «خصوصی کردن» را از آن استنباط می کردند، تقارن آن را با سفر آقاخان محلاتی (که در توهّم توطئه از مهره های اصلی و ثروتمند انگلستان بود) چنین تعبیر کردند که وی برای خرید تمام سهام انگلستان از شرکت نفت به تهران آمده است تا شخصاً نفت را «ملی» کند! حتی رهبر نهضت ملی ایران نیز، که خود تا حد بیماری به توهّم توطئه انگلستان مبتلی بود، در ذهن بیمارگونه رضاشاه و محمدرضاشاه در مضان رابطه پنهانی با انگلستان قرار داشت. توهّمی که چیزی نمانده بود تا در اواخر دوران رضاشاهی به بهای جان وی تمام شود.<sup>۱۹</sup>

افسانه دست پنهان سیاست انگلیس بار دیگر در خلال اشغال ایران توسط نیروهای متفقین در شهریور ۱۳۳۰ و سال های پس از آن ظاهر شد. البته یکی از عوامل اصلی توهّم توطئه در این دوران دسیسه های واقعی انگلستان، به خصوص دو جریان مبارزات آشکار و پنهان شرکت نفت و سفارت فخریه بریتانیا با عمال شوروی در ایران و سرسپردگی بیابوی از رجال کشور به سیاست های بیگانه و حتی تظاهرشان به سرسپردگی و اعترافشان در ارتباط پنهان با سفارت بریتانیا بود. در نتیجه، ذهن توطئه پرداز ایرانی همه وقایع این دوران را به صحنه گردانی و توطئه چینی بریتانیا نسبت می داد. مثلاً در جریان جانشینی محمد رضا شاه و من ها نظریه تفسیر رژیم و احیاناً ویاست جمهوری ساعد داشتند و انگلیس ها که دشمن رضاشاه شده بودند و نفوذ روزافزون آلمان در ایران را برنمی نافتند، باز گرداندن سلطنت به قاجاریه را مورد توجه قبول داده و به تخت نشاندن حمید میرزا قاجار را بررسی



می کردند. اما فکر دسیسه بین ایرانی جریان آرام و طبیعی انتقال سلطنت را، که به همت و کرداری محمدعلی فروغی صورت گرفته بود، به صحنه گردانی انگلستان نسبت می دهد.<sup>۲۰</sup>

دخالت روس و انگلیس در امور داخلی کشور، در دوران اشغال ایران به دست متفقین، امری طبیعی بود. درست است که آنها در انتخابات و آمد و رفت دولت ها و تأسیس احزاب و فراکسیون های

مجلس و روزنامه ها دخالت داشتند و گروه بزرگی از رجال کشور سرسپرده سفارتخانه های خارجی بودند. اما همه وقایع و حوادث، حتی کمبود نان و قحطی

مصنوعی را به آتش زدن گندم به دست عمال انگلیس نسبت دادن و همه احزاب و جراید و رجال را نوکر سفارت پنداشتن بی شبهه از باب توهم توطئه است. آنچه مسلم

بود حزب توده را عمال روس تأسیس کرده بودند و حزب آزاده ملی و تعدادی از جراید و برخی از فراکسیون های مجلس (مانند فراکسیون میهن در مجلس چهاردهم) را

عمال انگلیس. حال آنکه در توهم توطئه چنین تصور می شد که سرنخ حزب توده به دست شبکه مخرفی است که به «نام توده - نفی» خوانده می شود. این توهم از آنجا

ناشی شده بود که روس و انگلیس پس از اشغال ایران در سال ۱۳۲۰ برای تبلیغ میان ایرانیان، که غالباً هوادار آلمان نازی بودند، جبهه متحد ضد فاشیست تأسیس

کردند. در این جبهه مصطفی فایح، تنها هدیر ایرانی شرکت نفت با عده ای از گروه ۵۳ نفر که بعداً حزب توده را تأسیس کردند همکاری می کرد. در جریان این

همکاری، که در زمان جنگ امری طبیعی و ناشی از هدف مشترک متفقین بود، بزرگ علوی و احسان طبری در خانه پیروزی (مرکز فرهنگی بریتانیا) و شرکت نفت

استخدام شده بودند تا زندگی آنان از این مسر تأمین شود. همین سرنخ برای «توطئه پردازان» کافی بود تا حزب توده را مخلوق انگلستان و غالب اعمال آنرا ناشی

از اشاره سرانگشت «از ما بهتران» در خیمه شب بازی سیاسی ایران بدانند. اساساً این توهم همکاری پنهان روس و انگلیس از زمان عقد قرارداد ۱۹۰۷ میان آن دو دولت

در فکر ایرانی ریشه دوانده بود. مثلاً شاه قاجار دو سو قصدی را که به جهان وی شد (۱۳۲۷ و ۱۳۴۲) به عناصر توده نفی و یا طرح مشترک روس و انگلیس نسبت

می داد. حتی رزم آرا نیز متهم شده بود که مجری طرح کودتای مشترک روس و انگلیس در ایران است.<sup>۲۱</sup>

در جریان ملی شدن نفت، که حزب توده نفوذ قابل ملاحظه ای در ایران پیدا کرده بود، سازمان سیا خاطرات ساختگی لاهوتی را تالیف و منتشر کرد تا دوباره خطر وصیتنامه پطرکبیر را در اذهان مردم شایع کند.

پادشاهان پهلوی، که خودشان نیز در مضان توهم توطئه بریتانیا قرار داشتند، بسیاری از حوادث ایران و جهان را به آن سیاست منتسب می کردند. «رضاشاه» به حد افراط به انگلیس ها سوژن داشت و همه بدی های دنیا را از انگلستان می دانست. حتی سوژنش به همین پسر هم متوجه شد که با انگلیس ها کار می کند. این پسر یک رفیقی داشت اهل سویس [که او را برای کسب خبر از وضع

رضاشاه به ژوهانسبورگ فرستاده بود. رضاشاه به اطرافیش گفت حالا این پسره را فرستاده اند بیاید اینجا معلوم است از کجا آب می خورد . . . می گفت همه اینها را انگلیس ها تدارک می بینند. به پسرش سوئزن داشت. می گفت که دست انگلیس ها است.<sup>۲۲</sup>

محمدرضاشاه نیز مانند پدرش هم به سیاست انگلیس سخت ظنین بود و هم از آن به غایت وحشت داشت. امیراسدالله علم در خاطراتش می گوید: «شاه قلباً سوئزن عجیبی به انگلیس ها دارند و همه اتفاقات را خیال می فرمایند اینها انگشت می کنند. در صورتی که من آنها را خیلی خاك برسرت و بدبخت تر از آن می دانم که حالا بتوانند این کارها را بکنند. برعکس فکر می کنم آمریکایی ها هم اسحق و پرقدرت و هم ساده لوح هستند ممکن است این جور مداخلات بکنند و می کنند».<sup>۲۳</sup>

در مورد لو رفتن کودتایی که سازمان امنیت در عراق تدارک دیده بود شاه می گوید «فکر می کنم انگلیسها هم مارا لو دادند. آنها این جا از جریان مطلع شدند و چون حسن البکر ولو به ظاهر به آنها فحش می دهد، نوکر آنهاست مطلب ما را به آنها گفته اند».<sup>۲۴</sup> حتی هنگامیکه دولت سوئیس به سبب تظاهرات دانشجویان و ملاحظات امنیتی از پذیرفتن شاه اکراه داشت فکر می کند که «تحریکی از طرف انگلیس، آمریکا، روس یا فرانسه در بین است» هنگامی که علم به عرض می رساند که هیچ تحریکی در کار نیست و «آنها فقط به منافع خود نگاه می کنند» نمی خواهند در کشورشان جنجال راه بیفتند» عرایض او را باور نمی کند.<sup>۲۵</sup> دامنه این سوئزن حتی به نهضت ملی کردن نفت نیز می رسد. شاه می گوید: «ما همیشه این سوئزن را داشتیم که مصدق عامل انگلیس هاست، سوءظنی که تظاهرات آتی او به عنوان یک ناسیونالیست ضد انگلیس در آن قضائی بوجود نیارود. پدرم به طور قطع از مدت ها قبل نسبت به ارتباط او با انگلیسی ها مشکوک بود و به همین دلیل نیز او را در سال ۱۳۱۸ به اتهام جاسوسی برای انگلستان بازداشت کرد. ناسیونالیزم منفی مصدق . . . برعکس باعث افزایش بیش از پیش نفوذ انگلیسی ها بر سیاست های ملی ایران گشت».<sup>۲۶</sup>

توهم توطئه انگلستان یکبار دیگر در جریان انقلاب ۱۳۵۷ اوج گرفت. لحن ضدآمریکایی انقلاب و گزارش های روزانه نگاه سخن پراکنی بریتانیا (بی.بی.سی.) از اخبار روز به روز انقلاب برای شاه و درباریان و بسیاری از افراد سنی و سال داران به اسطلاح جهان دیده تردیدی بر جای نگذاشت که «کار کار انگلیسها است». مثلاً اشرف پهلوی بر این باور بود که ناآرامی انقلاب «در خلال یک هجوم خبری مستمر بی.بی.سی. بر ضد شاه صورت گرفت که تقریباً وجه دیگری بود از حملاتی که چند دهه قبل بر ضد پدرم انجام شد».<sup>۲۷</sup> مقارن شدن اوج گیری انقلاب با دوران نخست وزیری مهندس جعفر شریف امامی، استاد اعظم لژ بزرگ فراماسونری ایران، نشانه ای شد بر تأیید این توهم که دست انگلیس ها در کار است. بسیاری از سیاستمداران و اعضای طبقه متوسط و بالا با اشاره به این سوئزن ریشه دار که علماً را با پول هند و سیاست انگلیس مرتبط می داند حتی حرکات غرب ستیز روحانیون مبارز را نیز ساخته و پرداخته انگلیس می پنداشتند. برخی از توطئه پردازان بر این باور بودند که چون

شاه با اجرای اصلاحات ارضی فتودال‌های عامل انگلیس را از میان برده و به منافع آن کشور در ایران لطمه وارد کرده و یکسره کمر به خدمت آمریکا بسته بود، حالا نوبت انگلستان رسیده بود تا به دست روحانیت حساب کهنه خود را با آمریکائی‌ها تسویه کند.<sup>۲۸</sup> این توهم را دارودسته لیندون لاروش نیز در آمریکا تقویت می‌کردند. بر اساس شایعاتی که آنها در نشریاتی چون Executive Intelligence Review منتشر می‌کردند کلیه جنبش‌های اسلامی را به دستگاه جاسوسی انگلیس منتسب کرده و حتی

کاترتر، برژینسکی، کیسینجر، رمزی کلارک و سایروس ولس را به عنوان ستون پنجم دستگاه جاسوسی ارتش انگلستان معرفی می‌کردند که به اشاره آن دستگاه انقلاب اسلامی را در ایران به راه انداخته‌اند.<sup>۲۹</sup>

نیروهای چپ  
براین باور  
بودند که هدف  
اصلاحات

### ۱.۳. وصیتنامه پطر کبیر و خاطرات لاهوتی

ارضی  
تضعیف مبانی  
فتودالی قدرت  
بریتانیا، از  
جانب آمریکا  
بوده است و  
گروهی دیگر  
آن را بخشی  
از توطئه  
آمریکا جهت  
انهدام  
کشاورزی  
ایران  
می‌پنداشتند.

غالب ایرانیان، مطامع استعماری روسیه تزاری و اتحاد جماهیر شوروی در ایران را به وصیتنامه ساختگی پطر کبیر نسبت می‌دهند. این وصیتنامه را مهاجران لهستانی در پاریس به سال ۱۷۹۵ جعل کردند تا افکار عمومی فرانسویان را بر علیه روسیه تزاری که مطامع استعماری در لهستان داشت، برانگیزند و متحفظینی برای خویش دست و پا کنند. بر اساس این سند جعلی، که گویا بر حسب تصادف روی میز تحریر سفیر روسیه در پاریس دیده شده است، سیاست پنهانی روسیه همواره باید معطوف به دو هدف باشد: یکی سلطه بر اروپا و دیگر دستیابی به آب‌های گرم خلیج فارس از راه تسلط بر ایران. این سند جعلی، که در اواخر قرن نوزدهم از طریق نویسندگان انگلیسی همچون لرد کرزن (که البته در اسبالت آن تردید کرده است) و دانشجویان ایرانی در اروپا و سفارت انگلیس در ایران در اقواء مردم شایع شد، موجب پیدایش اعتقاد به توهم توطئه روسیه برای تسلط بر ایران شد.<sup>۳۰</sup>

با انقلاب ۱۹۱۷ و معاهده ۱۹۲۱ ایران و شوروی، که کلیه امتیازات امپراطوری روسیه در ایران و از جمله حق قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) را لغو کرد، احساسات ضد روسی ایرانیان برای مدتی آرام گرفت. اما تلاش نافرجام استالین برای الحاق آذربایجان و کردستان به قلمرو شوروی در سال ۱۳۲۴ موضوع

وصیتنامه پطر کبیر را از نو زنده کرد. چند سال پس از این واقعه و در جریان ملی شدن نفت در سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲، که حزب توده نفوذ قابل ملاحظه‌ای در ایران پیدا کرده بود، سازمان سیا خاطرات ساختگی لاهوتی را تألیف و منتشر کرد تا دوباره خطر وصیتنامه پطر کبیر را در اذهان مردم شایع کند. این کتاب را دانلد ویلبر، مشاور سازمان سیا، با همکاری یکی از نویسندگان ایرانی که پس از انقلاب

اعدام شد، تألیف کرده و در واشنگتن به چاپ رسانده و برای پخش به دفتر مرکزی سیا در سفارت آمریکا در تهران فرستاده بود. سبب اصلی انتشار کتاب این بود که به گمان ویلبر، لاهوتی شخصیت برجسته و محبوب ایرانی بود که به طور طبیعی ریاست جمهوری دولت دست نشانده شوروی در ایران را برعهده می گرفت.<sup>۳۱</sup> با انتشار این خاطرات جعلی از یکسو اقدام به ترور شخصیت لاهوتی می شد و او را بکلی از صحنه خارج می کرد، و از سوی دیگر با اعتراف وی مبنی بر توطئه پنهانی شوروی برای تأسیس دولت دست نشانده ای در استان های شمالی ایران، سوژن ایرانیان به شوروی را که گویی در فکر اجرای وصیتنامه پطرکبیر هستند، تشدید می کرد. چنان که محمد رضا پهلوی در کتاب **مأموریت برای وطنم می گوید:**

«از زمان پطر کبیر که بین سالهای ۱۶۸۲ تا ۱۷۲۵ میلادی فرمانروای روسیه بود، دولت روسیه همواره سعی داشته است تا تصرفات خویش را به سوی جنوب بسط داده و به آبهای گرم خلیج فارس و بنادر آن دست یابد.»<sup>۳۲</sup>

خاطرات لاهوتی به عنوان یکی از نمونه های تاریخی توطئه پردازی حاوی جعلیات فراوانی است که پس از انتشار کتاب به وسیله روزنامه های وابسته به شبکه «بدامن» (برای تفصیل نگاه کنید به بخش ۱۰۲) با سر فصل های درشت در جراید کشور منتشر شد. از جمله تهران مصور در شماره ۲۲ آبان ۱۳۳۲ دو صفحه کامل را به آن اختصاص داد و مدعی شد که لاهوتی به پاکستان گریخته است. مطالب جالب بالای صفحه از این قرار است: «لاهوری در قم گروهبانی را اعدام کرد و هشتی را که برای رسیدگی آمده بود بقتل رساند، سپس در تبریز پرچم سرخ برافراشت. مقامات شوروی لاهوتی را برای «جمهوری سوسیالیستی ایران» تعیین کرده بودند. روسها پس از وقایع آذربایجان می خواستند خراسان را ضمیمه شوروی کنند. آیا لاهوتی از شاهنشاه تقاضای ورود به ایران را کرده است. زن لاهوتی جاسوس گوی. پ. نو. بود»

همزمان با انقلاب اسلامی وصیتنامه پطرکبیر از نو مورد توجه قرار گرفت و بسیاری از ایرانیان، از طرفداران بالا و میانه، سرنگونی رژیم شاه، هجوم شوروی به افغانستان و اشغال سفارت آمریکا در تهران را نشانه هایی از توطئه هماهنگ و یکپارچه دولت شوروی به منظور تحقق وصیتنامه پطر کبیر دانستند. حتی این شایعه در محافل تهران قوت گرفت که حجت السلام محمد موسوی خوئینی ها، روحانی مبارزی که رهبری دانشجویان پیرو خط امام را بر عهده داشت، یکی از عوامل نفوذی کا. گ. ب در حوزه علمی قم است، این شایعه بی اساس ناشی از آن بود که گویا تعدادی از افراد یکی از خاندان های روحانی خوئین هنگام اشغال زنجان با فرقه دموکرات همکاری می کرده اند. این توهم حتی شامل ملی گرایان مسلمان ضد کمونیستی نظیر

از جالب ترین توهمات توطئه آنست که گویا انقلاب ایران را دولت کارتر طراحی و اجرا کرده بود تا کمربند سبزی در برابر توسعه شوروی در سرزمین های جنوبی ایجاد کند.



ابوالحسن بنی صدر، صادق قطب‌زاده و دکتر ابراهیم یزدی هم می‌شد که گویا طبق سببه چینی شوروی‌ها در رهبری انقلاب نفوذ کرده و مشاغل کلیدی را در دست گرفته‌اند.<sup>۳۳</sup>

در این زمان بار دیگر توهم توطئه مشترک روس و انگلیس نیز رونق پیدا کرد. مثلاً ارتشبد حسین فردوست، از معتمدان محمد رضا شاه، بر این باور بود که «روسها و انگلیسی‌ها در دامن زدن به بحران انقلابی در ایران اشتراك مساعی داشته‌اند». ویلیام سالیوان، سفیر آمریکا در ایران ضمن اشاره به این اعتقاد فردوست می‌گوید: «من غالباً این اتهام شگفت‌انگیز را از مقامات ایرانی می‌شنوم». <sup>۳۴</sup> شاه نیز، که عمیقاً به این توهم باور می‌داشت، انقلاب را به «اتحاد نامقدس سرخ و سیاه» نسبت داده و آنرا به عنوان فصلی از «پاسخ به تاریخ» برگزیده بود.<sup>۳۵</sup>

در اینجا باید به نقش روس‌های تزاری و اتحاد جماهیر شوروی هم در توطئه چینی و هم در توطئه پردازی تأکید کرد. به خصوص به نقش حزب توده در مشارکت در توطئه‌های گوناگون، از جمله در وقایع آذربایجان و کردستان و مبارزه برای به کرسی نشاندن فکر «حریم امنیت شوروی»، اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی، عملیات جاسوسی و خرابکاری و ترورهای سیاسی و نیز انتشار شایعات گوناگون در زمینه توطئه‌های انگلیس و آمریکا و توطئه پردازی علیه نهضت ملی ایران و شخص دکتر مصدق که او را ابتدا عامل انگلستان و سپس سرسپرده آمریکا می‌نامیدند.

#### ۱.۴. سیاست آمریکا در ایران: توطئه چینی، توطئه پردازی و توهم توطئه

دخالت مستقیم سفارت آمریکا در امور داخلی ایران به گونه‌ای خودسرانه از سوی یکی از مأموران کوچک و بوالهوس سفارت بنام جرال دوتو Gerald Doherty، وابسته عشایری که هوس ایفای نقش لورنس عربستان را در سر داشت در اواخر دهه ۱۳۲۰ آغاز شد.<sup>۳۶</sup> داستان اعمال دوتو و حقارت برخی از دولتخردان ایران که به او اجازه این اعمال خودپسراشته‌وا، که واشنگتن هم از آن بی‌اطلاع بود، میدادند، نمونه‌ای است از موارد متعددی شرم‌آور رفتار مقامات ایرانی در آن زمان. این شخص که به بیماری خودنمایی مبتلا بود، نه تنها به خود اجازه می‌داد برای افرادی که صرفاً مورد علاقه شخص او بودند پیشنهاد مکالمات حساس کند بلکه در همه جا نیز با آب و تاب از نفوذ خود در دستگاه حکومت ایران داد سخن می‌داد و از جمله انتصاب رزم‌آراء به نخست‌وزیری را نمونه‌ای از اقدامات خود قلمداد می‌کرد. در واقع رزم‌آراء با استفاده از همین خودنمایی دوتو او را مورد استفاده قرار داده و به مقامات مملکتی اینطور وانمود کرده بود که آمریکا از نخست‌وزیری وی پشتیبانی می‌کند. به هر حال، عملیات دوتو که با گسترش نفوذ آمریکا در خاور میانه و جایگزینی خلاء قدرت بریتانیا هم‌زمان بود سبب شد که در محافل توطئه پرداز تهران عامل تازه‌ای به سفارتخانه‌های انگلیس و شوروی اضافه شود. به خصوص آن که آمریکا با دایر کردن اداره‌مستشاری در ژاندره‌ری و ارتش و

توسعه اصل چهار ترومن و کمکهای اقتصادی پایگاه‌هایی برای اعمال نفوذ در ایران تدارک دیده بود. از همین زمان بود که آمریکائی‌ها وارد توطئه پردازی و «توطئه چینی» در ایران شدند. «توطئه پردازی» آمریکائی‌ها با تأسیس یک شبکه تبلیغات ضد شوروی و ضد توده‌ای بنام «هدامن» در سال ۱۹۲۸ آغاز شد. این شبکه را کاپلر یانگ Cuyler Young به رهبری فردی، که زمانی سردبیر اطلاعات بود و در میان مطبوعات نفوذ داشت و عضویت یکی از، مخبرین اطلاعات و دیلی تلگراف تأسیس کرد. این شبکه بودجه‌ای در اختیار داشت که در میان مطبوعات ضد توده‌ای تقسیم می‌شد و مقالات و کاریکاتورهایی را که غالباً در واشنگتن تهیه می‌شد برای طبع میان مطبوعات توزیع می‌کرد. این شبکه تا قیام سی تیر ۱۳۳۱ بر ضد شوروی و حزب توده مبارزه می‌کرد اما مدتی پس از این تاریخ که آمریکا با دولت مصدق به مخالفت برخاست این شبکه نیز «توطئه پردازی» علیه مصدق را هدف محوری خود ساخت. چنانچه پیش از این اشاره کردیم یکی از جعلیات این شبکه، که از سال ۱۹۵۰ زیر نظر داندل ویلبر قرار گرفته بود، تألیف و چاپ و انتشار کتاب خاطرات ابرالقاسم لاهوتی بود که ۵۰۰ جلد آن مدت‌ها در دفتر تد هاچکینس Ted Hatcher در مأمور سیا در سفارت آمریکا خاک می‌خورد و همزمان با کودتای ۲۸ مرداد در تهران پخش شد. اما مهمترین و خطرناک‌ترین ضربه‌های این شبکه علیه نهضت ملی ایران و شخصی دکتر مصدق بود. داندل ویلبر در واشنگتن با دستیاری یک نفر ایرانی که ذوق نویسندگی داشت مقاله‌ها و مطالب گوناگون و حتی کاریکاتورهایی علیه مصدق تهیه می‌کرد و آنها را برای هاچکینس به سفارت آمریکا می‌فرستاد تا برای پخش میان نشریاتی که جیره خوار سفارت بودند به شبکه مطبوعاتی بدهد. تقریباً تمام کاریکاتورهایی که علیه مصدق در



فاصله سی ام تیرماه و به خصوص نهم اسفند ماه ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در جراید تهران به چاپ می‌رسید از واشنگتن وارد می‌شد. یکی از این دفترچه‌های تبلیغی، که از مصادیق کامل توطئه‌پردازی و از تراوشات فکری ویلبر به شمار می‌آمد، افسانه‌ای بود مبنی بر اینکه خاندان مصدق جدید الاسلام و دراصل از یهودیان اسفهان هستند. برای اثبات این مدعا نیز عکسی از نیمرخ دکتر مصدق با دماغ بزرگ عقلی چاپ کرده بودند. که از نشانه‌های یهودی بودند است.

این شبکه همان است که گرمیت روزولت از اعضای آن بنام مستعار «Nerren» و «سیلی Cilly» یاد می‌کند. در اینجا باید توجه داشت که این دو نفر که نامشان اینک شناخته شده است اساساً برای مبارزه علیه حزب توده استخدام شده بودند و در ماه‌های آخر بناچار وارد عملیات بر ضد نهضت ملی گردیده و مایل به شرکت در عملیات کودتای ۲۸ مرداد نبودند. به همین دلیل هم هنگامی که روزولت از عدم آمادگی آنان برای مشارکت در کودتا آگاه شد آنها را تهدید به مرگ کرد. ۳۷ متأسفانه در «توطئه‌پردازی‌هایی» که ارتشبد حسین فردوست در خاطرات خود به عمل آورده این دونفر را «امیراسدالله علم و سرشاپورریزوتر» معرفی کرده و افسانه‌هایی شگفت‌انگیز درباره آنها ساخته است. در واقع نقش عمده این شبکه در کودتا بخش فرمان‌های عزل مصدق و انتصاب زاهدی و توزیع پول میان اوباش جنوب شهر بود. ۳۸

اما توطئه چینی تاریخی آمریکا علیه دولت ملی مصدق در کودتای ۲۸ مرداد ظاهر شد. با اینکه کودتا را سازمان جاسوسی انگلیس طراحی کرده بود، آمریکایی‌ها آنرا اجرا کردند و از پیامدهای مناسب و نامناسب آن که انتقال بخشی از توهم توطئه از «دست پنهان انگلیس» به «دست پنهان سفارت آمریکا» بود، برخوردار شدند. از این زمان همراه گسترش نفوذ واقعی آمریکا در ایران، توهم توطئه‌های آمریکایی در ایران نیز رواج پیدا کرد. به خصوص پس از روی کار آمدن دولت امینی و اصلاحات ارضی، که مورد حمایت محافل آمریکایی بود، توهم توطئه آمریکا در همه امور رواج گرفت. نخست وزیری منصوب نیز که با فشار آمریکاییها صورت گرفته بود بیش از پیش به توهم قدرت مطلقه آمریکا در ایران انجامید و سفارت آمریکا قبل از حاجات جاه طلبان سیاسی شد. چنانکه به گفته هارتین هرتر Martin Hertz وابسته سیاسی سفارت آمریکا، برگزیدگان سیاسی ایران در دوران بعد از مصدق به افسانه قدرت فائقه آمریکا در ایران اعتقاد پیدا کرده و تصور می‌کردند که نخست وزیران ایران را دولت آمریکا انتخاب می‌کند. از این رو، کاندیداهای نخست وزیری برای تبلیغ توانائی‌ها و امکانات خویش نزد اعضای سفارت آمریکا خود نمایی می‌کردند. وی می‌افزاید که حتی دعوت داشتن و یا دعوت نداشتن در مهمانی‌های سفارت و برخورد سفیر و مقامات سفارت با رجال ایران در موقعیت سیاسی و میزان قدرت آنها تأثیر مستقیم داشت و منجر به شایعه‌سازی‌های بی‌اساس می‌گردید. ۳۹ البته باید توجه داشت که این وضع از دهه ۱۳۵۰ تغییرات کلی پیدا کرد و با افزایش اعتماد به نفس محمد رضا شاه در برابر خارجی‌ها رو به کاهش نهاد. یکی از توهمات که هنوز در

میان محافل ایرانی رواج دارد این است که گویا برنامه اصلاحات ارضی و انقلاب سفید طرحی بود که بر اساس برنامه ریزی دقیق آمریکائی‌ها پیاده شد، در حالی که آمریکا، خواهان اصلاحاتی بود به مراتب معتدل‌تر و آرام‌تر و آهسته‌تر از آنچه دکتر حسن ارسنجانی طراحی و اجرا کرد. البته درست است که اصلاحات ارضی با حمایت آمریکا به مرحله اجرا درآمد، اما جهت حرکت و ماهیت آن در دست نیروهای داخلی و به خصوص شخص ارسنجانی بود. از همین رو نیز محافل آمریکایی تا آخر کار از شیوه اصلاحات ارضی ایران انتقاد می‌کردند، بسیاری از محافل ایرانی، از جمله نیروهای چپ، بر این باور بودند که هدف اصلاحات ارضی تضعیف میانی فتودالی قدرت بریتانیا در ایران بوده است. گروهی دیگر اصلاحات ارضی را بخشی از توطئه آمریکا جهت انهدام کشاورزی ایران می‌پنداشتند تا از این طریق هم برای محصولات اضافی آمریکایی بازاری فراهم شود و هم وابستگی ایران به مواد غذایی آن کشور افزایش یابد.<sup>۳۰</sup>

از دیگر  
اعتقادات آن  
است که  
ریگان  
انقلاب  
اسلامی را راه  
انداخت تا با  
حادثه'  
گروگان‌گیری  
کارت‌ر را از  
میدان بدر کند.

مرحله سوم توطئه آمریکا (بعد از توطئه چینی کودتای ۲۸ مرداد و راه اندازی انقلاب سفید) در انقلاب ایران متجلی می‌شود. از جالب‌ترین توهّمات توطئه آنست که گویا انقلاب ایران را دولت کارتر طراحی و اجرا کرده بود تا کمربند سبزی در برابر توسعه شوروی در سوزمین‌های جنوبی ایجاد کند و دسیسه چینی شوروی‌ها را برای اجرای وصیتنامه پترگبروی اثر سازد. برخی از توطئه‌پردازان ایرانی نیز سبب اصلی طرح آمریکا را آن می‌دانند که چون ایران موفق شده بود به پای پنج کشور بزرگ جهان برسد و به اصطلاح لقمه‌ای بزرگتر از دهانش برداشته بود و باید تیبیه می‌شد، بوسیله انقلاب به مقام و موقعیت نازلی که ابرقیدرت‌ها برای او تعیین کرده بودند رانده شد. برای نقش مؤثر آمریکا در انقلاب دو دلیل بارز ارائه می‌شود؛ یکی مأموریت محرمانه ژنرال هویزر آمریکایی در آخرین روزهای حکومت شیاه، که گویا به منظور خشی کردن کوردتای ارتش شاهنشاهی صورت گرفته بود و کنفرانس سران کشورها در گوادلوپ در ۱۴ ژانویه ۱۹۷۹، به اعتقاد شاه در خلال جلسات این کنفرانس فرانسوی‌ها و آلمانی‌ها با پیشنهاد انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها برای سرنگونی من موافقت کردند.<sup>۳۱</sup> در حالیکه سفر هویزر به منظور ارزیابی امکانات واقعی ارتش برای انجام موفقیت‌آمیز کودتا بود. هویزر پس از بررسی سلسله مراتب فرماندهی ارتش و تأمل در برنامه کودتا به ناتوانی کامل ارتش در اداره تأسیسات نفت و شبکه‌های آب و برق و راه آهن و سایر خدمات عمومی پی‌برد و علی‌رغم اصرار برژینسکی به انجام کودتای نظامی چنین اقدامی را با فرماندهانی که «مثل برف آب می‌شدند» غیر عملی دانست. در مورد کنفرانس گوادلوپ نیز برخلاف تصور محافل ایرانی و توهم محمد رضا شاه، کارتر که در آخرین لحظه با برژینسکی مشورت کرده بود از طرح حمایت شاه در

جلسه سران حمایت کرد. تاجر نیز همراهی کارتر بود. اما فرانسه و آلمان با این استدلال که رژیم در حال سقوط است پشتیبانی از آنرا بی حاصل می دانستند.<sup>۲۲</sup> برخی از محافظ ایرانی حتی واقعه گروگان گیری و اشغال سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸ را توطئه ای می پندارند که خود آمریکایی ها برای ایجاد بهانه لازم جهت توقیف ۱۴ میلیارد دلار دارایی ایران در ایالات متحده طراحی و راه اندازی کرده اند. از توهمات شگفت انگیز دیگر آن بود که شاه فقید حوادث ایران و افغانستان را نشانی از توطئه مشترک شوروی و آمریکا برای تقسیم جهان میان دو ابرقدرت تصور می کرد.<sup>۲۳</sup>

چپ ایران نیز در توطئه پردازی در زمینه برنامه های آمریکا در ایران نقش فعال داشته است. به گمان آنان تمام برنامه های آمریکا برای آنست که ایران را در یک وابستگی دائمی به خود و به سرمایه داری جهانی نگاه دارد. در این تحلیل، انقلاب سفید و اصلاحات ارضی برنامه ای آمریکایی بود جهت توسعه بیشتر سرمایه داری وابسته در ایران، افول تولیدات کشاورزی و مهاجرت روستائیان به شهرها برای تدارک نیروی کار ارزان جهت کارخانجات وابسته صنعتی.<sup>۲۴</sup> در حالی که گذشته از وابستگی، که در مراحل نخستین توسعه امری طبیعی بود، کشاورزی ایران پس از اصلاحات ارضی به طور متوسط سالی ۴ درصد رشد کرده و اصلاحات ارضی نداشته و افزایش واردات مواد خوراکی نیز ناشی از افزایش سریع جمعیت و رشد قدرت خرید مردم در شهرها بوده است. مهاجرت روستائیان نیز هم ناشی از افزایش سریع جمعیت و هم به سبب محدود بودن امکانات آبیاری برای افزایش سطح زیر کشت بوده و اصلاحات ارضی نقشی در این میان نداشته است.

ماجرای «ایران - کنترا» نیز، که هر کدام از شرکت کنندگان آن یعنی ایران، اسرائیل و کاخ سفید هدف خاص خود را دنبال می کردند، منشاء اعتقاد بسیاری از ایرانیان به دست پنهانی ریگان در راه اندازی انقلاب ایران گردید، تا با حادثه گروگان گیری کارتر را از میدان بدر کند و آنگاه با ماجرای ایران - کنترا به گروگان گیران پاداش دهد.<sup>۲۵</sup> در حالی که آزادی گروگان ها هنگام مراسم ریاست جمهوری ریگان امری کاملاً تصادفی و ناشی از پیچ و خم های مذاکرات طرفین و هدف اصلی ریگان و حزب جمهوری خواه از ارسال اسلحه به ایران آزادی گروگان های آمریکایی در لبنان در آستانه انتخابات کنگره آمریکا و کسب کرسی های بیشتر برای حزب جمهوری خواه بود و نه پاداش دادن به «همدستانش».

بسیاری از نیروهای چپ بر این باورند که غرب به سرکردگی آمریکا به نیروهای اسلامی کمک کرد تا انقلاب را قبضه کنند، تا نیروهای چپ را سرکوب کرده و ایران را در دایره نفوذ غرب نگاه دارند.<sup>۲۶</sup> از سوی دیگر مائویست های ایرانی بر وجود نوعی توطئه میان اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایالات متحده آمریکا تأکید می کنند و برخی چنان در این اندیشه اغراق می کنند که مدعی هستند تمامی خط مشی جمهوری اسلامی را قدرت های آمریکا و شوروی برای حفظ منافع نظام سرمایه داری جهانی تعیین کرده اند. در این میان جمهوری اسلامی نیز ایالات متحده را به انواع توطئه های سیاسی و

اقتصادی و فرهنگی علیه ایران متهم می‌کند، نیروهای مبارز چپ را به سرسپردگی آمریکا و انگلیس متهم می‌کند، و بسیاری از گرفتاری‌های خود را حاصل این توطئه‌های پنهانی می‌داند. در حالی که غالب توطئه‌های آمریکا علیه ایران آشکار است و می‌توان آنها را مشخصاً مورد بررسی و تحلیل قرار داد. در برابر این توطئه‌پردازیها عناصر مخالف رژیم از جمله بنی‌صدر بر این باورند که همه برخورد‌های جمهوری اسلامی و آمریکا از نوع جنگ زرگری و از باب امور ظاهری است، در حالی که در باطن امر، چنان‌که «ماجرای ایران کتراه شاهد صدق آنست، روابط و ارتباطات فراوان میان ایران و آمریکا وجود دارد.<sup>۲۷</sup> یکی از دلایلی که محافل ایرانی برای اثبات روابط پشت پرده ایران و آمریکا می‌آورند فروش نفت به شرکت‌های آمریکایی و نیز افزایش صادرات آمریکا به ایران در سال‌های اخیر است. در حالیکه افزایش فروش نفت به آمریکا و گسترش واردات کالاهای آمریکایی به ایران طرحتی باشد که از سوی دولت ایران دنبال می‌شود تا از این طریق یک توده ذینفع هوادار ایران در آمریکا بوجود نیاید.

## ۲- توهم توطئه‌های شیطانی دشمنان ایران

توهم توطئه‌های شیطانی دشمنان ایران از دسیسه‌های ابرقدرت‌ها، که مطلقاً استعماری واقعی در ایران داشتند، در می‌گذرد و هاجمه آن به بهانه تاریخ و نیروهای شیطانی مذهبی گسترده می‌شود. در بطن اینگونه توهمات توطئه جهان‌بینی دوگانه نگر «ایران» و «ایران» و دسیسه‌های بزرگ نیروهای اهریمنی برای تضعیف نیروهای یزدانی قرار دارد که در هر زمان به رنگی و نیرنگی ظاهر می‌شود. زمانی در چهره سلم و تور نمایان می‌شود و ایرج، مؤسس ایرانشهر را از میان برمی‌دارد، زمانی دیگر به صورت اسکندر ملعون نمودار می‌شود و به هدایت ارسطو ایران را به ورطه ملوک‌طوایف می‌اندازد، زمانی دیگر در هیكل مانوی‌ها ظاهر می‌شود و با دستکاری در گناه شماری و تاریخ، نظم جهان را برهم می‌زند و اعراب بادیه نشین و مغولان صحراگرد را به تسخیر ایران و هتک می‌شود، گاهی دیگر در چهره روحانی نمایان شیعه آشکار می‌شود تا شیعه ناب ایرانی را لکه دار کند و زمانی به صورت تشیع صفوی در می‌آید تا با تفرقه میان سنی و شیعه، پشت اسلام را به خاک بمالد، و آنگاه به صورت تهاجم فرهنگی و غرب زدگی ظاهر می‌شود تا فرهنگ اصیل ایرانی را از درون بیوساند، و زمانی در ثلاثه خبیثه فراماسونری، بهائیت و یهودیت آشکار می‌شود تا هستی ایران را بر باد دهد. در این بخش هریک از این توطئه‌پردازی‌ها را به اختصار بررسی می‌کنیم.

### ۲.۱. ریشه‌های اساطیری توهم توطئه

ریشه‌های تاریخی این توهم به اساطیر آفرینش ایران از دوران باستان می‌رسند، یعنی از

هنگامی که ایران در میانه جهان از شرق (توران و چین) و غرب (یونان و روم) جدا می شود و همراه آن اساطیر «ایران» و «انیران» زاده می شود. در این زمان هویت ایرانی با پادشاهی ایرج در برابر هویت قومی شرق و غرب بنیاد نهاده می شود. اما عنصر اصلی در شکل گیری هویت قومی تنها در نسبت دادن سجایای اخلاقی به خودی و بیگانه نیست، بلکه در دشمنی میان آنها است.

دشمنان ایران با آن که گروهی دلیر و جنگاورند و گروهی خردورز و اندیشمند هر دو با نیروهای اهریمنی پیوند دارند و در کار توطئه ای بزرگ و ابدی بر علیه سرزمین اهورائی ایراند. «ایران» همزمان با «انیران» زاده می شود و از همان روز هدف توطئه بیگانگان قرار می گیرد. توهم توطئه بیگانگان بر علیه ایران از همان آغاز پیدایش ایران زمین در ژرفای تفکر ایرانی جای می گیرد.

ایران همراه دو همزاد بدخواه و توطئه گر زاده می شود. سرگذشت ایران، داستان دشمنی ها و کینه توزی ها و توطئه چینی های بی امان و بی گیر این همزادان است. در زمان پیشدادیان دشمن اصلی توران است. پس از پیشدادیان نوبت به کیانیان می رسد و در دوران آنان جنگ میان سه بخش جهان، به خصوص میان ایران و توران، شدت می گیرد تا آن که اسکندر ملعون از غرب بر ایران می تازد و سلسله کیانی را برمی اندازد و به راهنمایی ارسطو «دومین توطئه بزرگ تاریخی» را بر علیه ایران تدارک می بیند و ملوک طوایف را بر ایران زمین چیره می گرداند. اگر اولین توطئه اساطیری بدست توران و به یاری غرب است، این توطئه یک راست از غرب برمی آید تا روم در امان بماند.

سکندر سکالید از آن گونه رای که تا روم آباد ماند بجای ۴۸

## ۲.۲. غربزدگی و توهم توطئه

پروپگاندای علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دامنه درگیری های تاریخی میان ایران و مغرب زمین که در دوران باستان به یونان و روم محدود بود در عصر جدید به «فرانکستان» کشیده شد و سبب رواج گرفتن توطئه پردازی های اساطیری گردید. یکی از این مضامین توطئه، که در ایران بازتاب وسیعی پیدا کرده، مفهوم غربزدگی و هجوم فرهنگی غرب است. این مفهوم را ابتدا سید احمد فردید به عنوان معادلی برای «تیرگی جهان»، که از مفاهیم مورد علاقه مارتین هایدگر بود عنوان کرد. به گمان هایدگر فلسفه اصالت انسان و خود محوری

وی، که از فلسفه یونان نشأت گرفته و در عصر جدید سلطه جهانی پیدا کرده، تاریخ غرب را از دوران باستان تا به امروز رقم زده است. هجوم فرهنگی غرب بیماری مسری غرب زدگی و عوارض وجودی آنرا، همچون علوم جدید و دموکراسی و آزادی خواهی و حقوق بشر و برابری در جهان پراکنده و

به گمان  
ذبیح بهروز،  
مانویان که در  
صحراهای

سوزان  
عربستان و  
مغولستان

به صورت  
قبایل

می زیستند،  
بزرگترین

دشمن تاریخی  
فرهنگ و تمدن

ایران بوده اند  
و رهنمون

تسخیر ایران  
به دست اعراب

وحشی و  
ایلغار مغول

شدند.

معنویت شرقی را به تباهی کشانده است. به گفته فردید «صورت نوعی تاریخ غرب که در هیچ یک از صور نوعی دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها آن را نمی‌توان باز یافت در اصلاتی است که برای وجود آدمی قایل است. این خصوصیت را من [که البته یعنی هایدگر] به خود بنیادی تعبیر می‌کنم». ۴۹ جلال آل احمد بدون توجه به مبانی فلسفی عقاید هایدگر واژه غرب زدگی را از فردید به عاریت گرفت و آن را عنوان کتابی کرد که بازتابی گسترده یافت. روی سخن در آن کتاب با استعمار غرب و عاملان استعمار در جهان سوم بود و نه «با صورت نوعی تمدن غرب» که سراسر جهان امروز را «غرب زده» کرده است. ۵۰ آنچه در این شیوه تفکر می‌توان دید توطئه بزرگ شیطانی غرب علیه ایران از عهد باستان تا به امروز است که با نوعی تهاجم همبسته سیاسی و نظامی و فرهنگی همراه است.

در این میان ذبیح بهروز مبشر یکی از شگفت‌انگیزترین توطئه‌پردازان تاریخ است. به گمان وی مانویان بزرگترین دشمن تاریخی فرهنگ و تمدن ایران بوده‌اند. مانویان که در صحراهای سوزان عربستان و مغولستان به صورت قبایل می‌زیستند رهنمون تسخیر ایران به دست اعراب وحشی و آنگاه ایلغار مغول شدند.

بعدها مانویان با تظاهر به اسلام همه جا در شهرها سازمان‌های قوی و منظمتری داشتند و غالباً همدستان خود را هنگامی که اوضاع فلکی و اختلاف داخلی مناسب بود برای غارت و ویرانی و انتقام جویی راهنمایی و یاری می‌کردند. ما باید مانویان را از روی عقاید آنها بشناسیم نه اسامی و عنوان‌هایی که در هر عصر و هر جا بر خود گذاشته‌اند. ۵۱

آنگاه بهروز به آلودگی فرهنگ و تمدن یونان به افکار یهود می‌پردازد و دستبردهای مانویان را در تقویم و تاریخ از توطئه چینی‌های بزرگ تاریخ می‌داند. بهروز و همکاران وی به توطئه تاریخی دیگر نیز می‌پردازند: فتح ایران بدست اسکندر افسانه‌ای است که غربی‌ها از روی دشمنی با ایران ساخته و پرداخته‌اند. ۵۲

افکار فردید و بهروز در آثار حسین علی‌گستره‌ای افسانه‌ای پیدایم کند و از روایات مبهم تاریخی و مفاهیم انتزاعی فلسفی به تاریخ ایران راه می‌یابند. وی می‌گوید: «قصه از آنجا شروع می‌شود که ایرانیان یونان را تسخیر کردند و آتن را آتش زدند». آنگاه سبب درگیری ایران و یونان را تقابل دو شالوده سیاسی و تمدنی و فرهنگی می‌داند که نمی‌توانستند با یکدیگر همزیستی داشته باشند. «تمامی حوادث تاریخ جهان - به جز آفریقا، هند، چین و تا اندازه‌ای روسیه - تاریخ برخورد بین این دو است». شالوده تمدن یونانی و البته غربی تا به امروز احترام به قانون، وجود دموکراسی، برنامه‌ریزی، اقتصاد پولی و تجارت بین‌المللی است که زشت و پلید و ضد ایرانی است. خلاصه اینکه تمایز «ایران» و «انیران» امری ماهوی و ذاتی است و ساخت نوعی فرهنگ ایرانی ضد دموکراتیک، ضد قانون و ضد تعقل و تفکر و ضد برنامه‌ریزی و ضد اقتصاد است! حسین ملک آنگاه می‌پردازد به «هدیه‌های زهرآلود فکری قوم یهود» به ساخت تمدن یونانی غرب. «حضرت عیسی



مسیحیت را، مارکس، مارکسیم را، فروید، فرویدیسم را، اینشتن، بمب اتم را، و هرمن کان، گزارش سال ۲۰۰۰ کلوب رم را. تهاجم فرهنگی غرب که از زمان انقلاب مشروطه ظاهر شده و تا انقلاب اسلامی و آستانه سال ۲۰۰۰ ادامه یافته در واقع ادامه همان توطئه‌هایی است که از زمان فتح آتن به دست ایرانیان تاریخ ایران و غرب را رقم زده است.<sup>۵۳</sup>

### ۲.۳. توطئه صلیبیون بر ضد جهان اسلام

یکی از مضامین اساسی در توطئه توطئه، دسیسه‌های شیطانی غرب از زمان جنگ‌های صلیبی است. هدف این توطئه تضعیف جهان اسلام و سرآمد ملل اسلامی یعنی ایران شیمی است. یکی از مضامین این طرز فکر آن است که ملل مسیحی برای چیرگی بر جهان اسلام اضمحلال امپراطوری عثمانی را رأس توطئه چینی‌های خود قرار داده و برای نیل به این هدف به تفرقه میان مسلمانان همت گماشته‌اند. یکی از بزرگترین توطئه‌ها به گمان مرحوم علی شریعتی تأسیس دولت صفوی در برابر امپراطوری عثمانی است تا با برانگیختن جنگ‌های مداوم میان دو امپراطوری، جهان اسلام را تضعیف کنند. حمایت از صهیونیسم بین‌المللی و مغزشویی جوانان مسلمان از راه تهاجم فرهنگی جنبه‌های دیگر این توطئه به شمار می‌آید.<sup>۵۴</sup> برخی از محافل ایرانی کتابه‌آیه‌های شیطانی را نیز از تجلیات توطئه پنهان صلیبیون علیه جهان اسلام دانسته‌اند.



## ۲.۴. توطئه علمای شیعه و قدرت های جهانی

یکی از مضامین توهم توطئه، که محبوبیت خاص دارد، آن است که گویا «از آغاز قرن چهارم هجری، یعنی بلافاصله پس از غیبت امام دوازدهم (عج)، بزرگترین توطئه تاریخ ایران و شاید هم دراز عمرترین توطئه تاریخ جهان، درعالم تشیع آغاز شده و تا به امروز یعنی نخستین سالیان قرن پانزدهم هجری همچنان ادامه یافته است». هدف این توطئه مسخ تشیع واقعی بوده است، برای نیل به این هدف، اتحاد نامقدس میان اربابان زر یعنی ثروتمندان بازاری و مالکان ارضی و اربابان زور یعنی دولتمردان و عاملان روحانی نما پدید آمد که نویسنده آنرا اولین سرمایه گذاری تاریخی نامیده است. دومین سرمایه گذاری تاریخی با تقسیم وجوه موقوفه هند در میان روحانیت شیعه تحقق پیدا می کند و همچون امری در دست بیگانگان و «دست پنهان انگلستان» قرار می گیرد. اما سرمایه گذاری سوم تشکیل یک کنسرسیوم بین المللی است برای راه اندازی انقلاب اسلامی در ایران: «این بار این سرمایه گذاری چند ملیتی بود... شرکتهای بزرگ نفتی، و عمو سام، و ایتلیجنس سرویس، و «رفقا»، و «موساد» همه در آن شرکت کرده بودند و با اتکا به این پشتوانه محکم بود که روحانیت مبارز با کارگردانی سپاه چند صد هزار نفری ذاکران حسین، قدرت ظلمانی هزار ساله اش را برای فرو ریختن بنیادی یک جامعه و یک فرهنگ کهن بکار گرفت». ۵۵

## ۲.۴. مثلث جهانی توطئه

در شالوده فکر ایرانی، مراکز پنهانی فراماسونری، بهائی و یهود شبکه درهم تنیده ای تشکیل داده اند که سیر حوادث و مشی وقایع تاریخ معاصر و شخصیت های پر نفوذ جهان را همچون عروسکان خیمه شب بازی از پشت پرده هدایت می کنند. از اردو گیاه سوسه الیم گرفته تا جهان سرمایه داری، از شرق تا غرب عالم، از ابر قدرت ها و کشورهای پیشرفته تا کشورهای در حال رشد، جملگی گوش به فرمان این دستگاه پر قدرت امر یعنی دارند. با اینکه مثلث توطئه در میان قشرها و گروه های گوناگون محبوبیت دارد لکن گروه های متعصب و سنت گرایی مذهبی و بنیادگرایان دینی و نیز میهن پرستان افراطی به نقش پشت پرده این تثلیث نامقدس ایمان و اعتقاد عمیق دارند. یکی از تجلیات این تصور در روزهای نخستین انقلاب اعلام تأسیس تشکیلاتی بود به نام «سازمان ضد فراماسونری، ضد صهیونیست و ضد بهائیت» بر دیوارهای شهر تهران. محافل آگاه، تأسیس این سازمان را به ابتکار یکی از مبشران نظریه غرب زدگی (طرفدار هایدگر) و به دست یکی از روحانیون فعال آن زمان می دانستند.

با اینکه امیراسدالله علم از نادر رجال عصر پهلوی بود که به توهم توطئه باور نداشت و از

دیدگاه منطقی و تحلیلی به مسائل و رویدادها نگاه می‌کرد ولی نقش مراکز بهایی و فراماسونری و بهبود را در برخی توطئه‌ها دخیل می‌دانست و به شاه توصیه می‌کرد که: «مگر ممکن است اشخاصی فراماسون باشند، انترناسیونال باشند، عضو سیا باشند، بهایی باشند و باز هم علاقمند به کشور؟»<sup>۵۶</sup>

در این میان فراماسون‌ها بیش از دو گروه دیگر درگیر انواع توطئه‌ها، دسیسه‌پردازی‌ها و توهم‌توطئه بوده‌اند. کمتر ایرانی را می‌توان یافت که نسبت به فراماسون‌ها ظنن نداشت. امیراسدالله علم، که خود در توطئه‌پردازی علیه فراماسون‌ها شرکت داشته و در انتشار اسناد جواهری (که بعد از مرگش در اختیار ساواک قرار گرفت) بوسیله اسمعیل راتین مؤثر بوده است، در خاطرات خود به سؤزن شدید شاه و همسرش نسبت به فراماسون‌ها اشاره می‌کند. از جمله از قول فرح پهلوی می‌گوید: «کتابی راجع به فراماسونری در ایران انتشار یافته که در آن همه رجال غیر از تو در عداد آنها قرار گرفته‌اند. منجمله نخست‌وزیر هویدا، رئیس مجلس سنا شریف امامی، مدیرعامل شرکت نفت، اقبال و رئیس مجلس، ریاضی و تقریباً همه و همه. یا باید فراماسونری را بپذیریم، یا اگر می‌گوییم بد است و فراماسونری عامل اجرایی سیاست خارجی است، لااقل این اشخاص بی‌کار خودشان بروند.»<sup>۵۷</sup>

در جایی دیگر در گفتگو با محمد رضا شاه درباره قیام ۱۵ خرداد می‌گوید: «عرض کردم، راستی من هنوز نمی‌دانم خارجی‌ها کدام یک تحریک می‌کردند. روس‌ها، انگلیس‌ها یا آمریکائی‌ها؟ فرمودند، البته انگلیس‌ها، چون آخوندها که ایادی آنها بودند، مخصوصاً آیت‌الله بهبهانی که بعد از چهل سال منبر رفت و به تو حمله کرد و بعد هم علاء وزیر دربار وقت و عبدالله انتظام و گلشائیان که در دربار جلسه تشکیل داده و عزل تو را می‌خواستند، همه نوکرهای انگلیس بودند و فراماسون. عرض کردم ممکن است فراماسون‌ها کاری کرده باشند، چون من عضو آنها نشدم. ولی من بعید می‌دانم که در آن جریان انگلیس‌ها مداخله کرده می‌باشند.»<sup>۵۸</sup>

فراماسون‌ها را گروه‌های دیگر، از ملئون افراطی گرفته تا سازمان‌های مذهبی، ساواک و سازمان‌های اطلاعاتی از جرثومه‌های توطئه‌گری و پنهان‌کاری و خیانت و خبثت می‌پندارند. با آنکه فراماسون‌ها به سبب مخفی‌کاری در همه کشورها مورد سؤزن مردم، به خصوص گروه‌های افراطی چپ و راست هستند (چنان‌که در آلمان

نازی و کشورهای سوسیالیستی آنها را نابود کردند)، اما افسانه‌هایی را که ایرانیان درباره قدرت و عظمت فراماسون‌ها پرداخته‌اند در هیچ کجای دنیا هم‌تا ندارد. این سؤزن شدید به چند سبب بوده است. یکی اینکه، در هیچ کشوری، نسبت فراماسون‌ها در ترکیب سرآمدان جامعه به اندازه ایران (

یکی از  
بزرگترین  
توطئه‌های  
صلیبیون  
برضد جهان  
اسلام به گمان  
مرحوم علی  
شریعتی  
تاسیس دولت  
صفوی در  
برابر  
امپراطوری  
عثمانی است  
تا با  
برانگیختن  
جنگ‌های  
مداوم میان دو  
امپراطوری،  
جهان اسلام را  
تضعیف کند.

به خصوص از نیمه قرن حاضر تا دوران انقلاب) نبوده است. دوم اینکه در هیچ کشوری به اندازه ایران، برخی از فراماسون‌ها ارتباط سازمان خود را با «از مابهران» با اغراق زیاد تبلیغ نمی کرده‌اند و در هیچ کشوری به اندازه ایران بخشی از فراماسون‌ها در عمل سرسپرده سفارت بریتانیا نبوده‌اند. بنابراین اعمال بخشی از فراماسون‌ها در سرسپردگی به خارج و سودجویی علنی آنها از ارتباط خارجی، سبب شد تا در ایران افسانه‌های جن و پری درباره لژهای مخفی فراماسونری و اعمال حیرت‌انگیز آنها پرداخته شود و این باور اشاعه پیدا کند که سرخ تمام وقایع عهده جهان و ایران در دست محافل سری فراماسون است. البته توطئه پردازی‌های سازمان امنیت را نیز نباید دست کم گرفت که هم به میل خود و هم به پیروی از نیات و برخی از مقامات، مانند علم، در تبلیغ علیه فراماسونری سهم عمده داشت. یکی از هدف‌های عمده این کار، لجن مال کردن تمام رجال کشور برای تحقیر آنها و مهار کردن آنها بود. در مواردی نیز هدف اصلی بد نام کردن مخالفان شاه بود، از جمله اتهام بی مورد فراماسونری به دکتر محمد مصدق.

یکی از مضامین محبوب توطئه میان ایرانیان مشارکت یهودی‌ها و صهیونیست‌ها در دسیسه‌های ضد ایرانی است. گاهی توطئه پردازان در نمایش توطئه‌نقشی برای یک پرسوناژ یهودی در نظر می‌گیرند، همچون نقش «نات جهود» در طرح توطئه برکناری و قتل امریکبر. اما توطئه بین المللی یهود برای سلطه بر جهان به «پروتوکل بزرگان یهود» نسبت داده می‌شود. سندی که در اصل از سوی پلیس مخفی روسیه تزاری جعل شد ولی هنوز در ایران و خاورمیانه به عنوان سندی اصیل مورد استناد است. براساس یکی از مضامین توطئه، نظام شاهنشاهی سرسپرده صهیونیسم بود و ساواک

از روزنامه آزاد، ۱۱ مهر ۱۳۳۲



شعبه‌ای از موساد به شمار می‌رفت و سربازانی که فاجعه جمعه سیاه را آفریدند، همه اسرائیلی بودند. لکن با آنکه ایران با اسرائیل روابط سیاسی داشت و نفت اسرائیل را تأمین می‌کرد و تا مدتی مشاورین اسرائیلی در ساواک کار می‌کردند، محمد رضا شاه به اسرائیل و مراکز یهودی آمریکا سوژن داشت و حتی منع فروش سلاح‌های پیشرفته به ایران را ناشی از اقدامات آنان می‌دانست. حتی بسیاری از سلطنت‌طلبان بر این باور بودند که سازمان موساد در انقلاب اسلامی دست داشت تا تنها رقیب نیرومند خود در منطقه را از میان بردارد و یک نظام وابسته و آسیب‌پذیر به جای آن بنشاند.

متأسفانه محافل ایرانی علاقه و توجه لازم به بررسی و شناخت سیاست اسرائیل ندارند. اسرائیل تا سال ۱۹۸۲ به پیروی از اصول سیاست خارجی بن‌گوریون ایران را همراه ترکیه و حبشه (با هرگونه نظام سیاسی) دوست اسرائیل می‌دانست و عراق را دشمن اصلی. بنابراین، طبیعی بود که در اوایل جنگ ایران و عراق مایل به کمک به ایران باشد و در ماجرای ایران-کویت وارد شود. اما در جریان مبارزه شیعیان لبنان و راندن آمریکا و اسرائیل از بیروت رفته رفته شیعیان و ایران به عنوان دشمن اصلی اسرائیل دانسته شدند. از مسائل جالب توجه آنکه این تغییر دیدگاه در میان روشنفکران و حزب کارگر به سرعت رواج گرفت، در حالی که تحول در دیدگاه عناصر محافظه‌کار و محافل امنیتی اسرائیل در جبهه گیری علیه ایران به کندی صورت گرفت. اگر تا اوایل دهه ۱۹۸۰ حدود ۹۰ درصد از اسرائیلی‌ها طرفدار ایران بودند در اوایل دهه ۱۹۹۰ این نسبت به کمتر از ۱۰ درصد کاهش یافت و در حال حاضر شاید به چند درصد تنزل کرده باشد. این دگرگونی به محافل یهودیان آمریکا نیز سرایت کرد و همراه با نیاز محافل امنیتی و نظامی آمریکا به دشمن توانی برای جذب بودجه کافی، سبب اقدامات اخیر دولت کلینتون علیه ایران شد. این فشارها نه تنها بی‌آمدهای اقتصادی ناگوار برای مردم ایران خواهد داشت بلکه سبب بالا رفتن میزان فشار و سخت‌گیری و بازیگری در همه امور از سوی مقامات مسئول کشور خواهد گردید و بر سوژن تاریخی ایرانیان نسبت به یهودیان و صهیونیسم نیز خواهد افزود.

بهایمی‌ها نیز به دلایل گوناگون مورد سوژن شدید غالب گروه‌ها و قشرهای اجتماعی به خصوص روحانیت و بازاریان و عناصر میهن پرست و حتی سلطنت‌طلبان هستند. سندی که غالباً برای اثبات توطئه چینی بیگانگان در ظهور باب و پیدایش بابیه و بهائیه بکار می‌رود خاطرات جعلی منسوب به پرنس دیمیتری دالگورکی است که در حدود سال ۱۳۲۰ زیر عنوان «یادداشت‌های کنیاز دالگورکی» منتشر شده و بارها، با تغییراتی مناسب اوضاع زمانه منتشر گردیده و تأثیری عمیق در اذهان خوانندگان برجای نهاده است. جاعل سند از قول دالگورکی، که در سالهای ۷۰-۱۲۶۳ ق. سفیر روسیه تزاری در تهران بوده، در این خاطرات شرح می‌دهد که چگونه برای تضعیف تشیع و ایران، فرقی با می و بهایی را پدید آورده است. در یکی از چاپ‌های کتاب که در روزنامه «شه فراز

آریان<sup>۵۹</sup>، بهمن ماه ۲۵۳۸ شاهنشاهی، چاپ شده چنین می خوانیم:

« انتشار چاپ های متعدد کتاب کینیاز دالگورکی چنانکه انتظار می رفت مورد استقبال اکثریت روشن فکران ایرانی قرار گرفته و چون ورق زرد دست بدست و محفل به محفل می گردد. اما یک اقلیت ناراضی نیز بر علیه این کتاب قیام نموده و اظهاراتی درباره آن می نمایند و نمی خواهند به صحت مندرجات آن اقرار کنند. . . ای کسانی که می گوید این کتاب مأخذ صحیحی ندارد بروید در مجله شرق (ارگان کمیسر خارجی شوروی) [که درست آن نووی وستک Novyi Vostok است] اوت ۱۹۲۴ و ۱۹۲۵ همین یادداشتها را مطالعه نمایید.»

نه تنها چنین مطلبی در مرجع بالا دیده نمی شود بلکه یادداشت ها و گزارشات دالگورکی، که در سال ۱۹۳۹ در مجله به چاپ رسیده، حاوی گزارش های وی از اوضاع تهران همراه با اشاره هایی به حرکت بایبه در آن زمان است. مورخینی که هم به دلیل منافی بودن مطالب آن با وقایع تاریخی آن زمان و هم به سبب جعلی بودن مأخذ، در اصالت آن تردید کرده اند نه تنها علاقه ای به بهائیت نداشته اند بلکه برخی از آنان از دشمنان «بهائیکری» نیز بوده اند. در بطلان این سند عبدالله مستوفی، محمود محمود، عباس اقبال آشتیانی، مجیب مینوی و سید احمد کسروی سخن گفته اند. کسروی در کتابی که زیر عنوان «بهائیکری» در رد این جمعیت نگاشته چنین می گوید:

«بیگمان [خاطرات دالگورکی] چیز ساخته ایست . . . جنبش بایگیری را در ایران روس یا انگلیس پدید نیاوردند و خود نتوانستند می آورد ولی پس از پدید آمدن ناچاری میبوده که آن بسود جویی از آن پردازند. آنچه ما دانسته ایم بهاء در تهران با کارکنان سیاسی روس بهمبستگی می داشته. و این بوده چون بزندان افتاد روسیان برهایش کوشیده و از تهران تا بغداد غلامی از کنسولی همراهش گردانیده اند . . . از آنسو انگلیسیان بنا به همجوشی که در سیاست شرقی خود با روسیان می داشتند به میرزا یحیی صبیح ازل که از شاه جدا گردیده دهمشته دیگری بنام ازل نام می داشت پشتیبانی می نموده اند.»<sup>۵۹</sup>

در توطئه دیگری که خان ملکه ساسانی پرداخته، پیدایش بایبه و حتی گرویدن گروه بزرگی از یهودیان ایران به بهائیت را از دمیسه های انگلیس دانسته است:

« اتلیجنس سرویس پس از اطمینان از خدمتگذاری بهائیهها برای تحکیم این سیستم به یهودی ها . . . توصیه نمود که برای وصلت با ایرانی ها و اختلاط و امتزاج با آنها و کسب اطلاع از درون خانواده ها بهایی شوند.»<sup>۶۰</sup> از مضامین جالب دیگر، تشویق ایادی انگلستان به بهائی کشی است تا بهانه ای برای دخالت در امور ایران به دست آویز حمایت از یک اقلیت مذهبی پیدا کنند: «انگلیس ها در تمام مدت یک صد سال که از کشتار ناهنجار وحشیانه بایبها می گذرد این نقشه را همیشه تعقیب کرده اند.»<sup>۶۱</sup>

جالب اینکه یهودیان ایران نیز که از گرویدن گروه کثیری از همکیشانان به بهائیت شدیداً متأثرند، هم صحت مندرجات خاطرات دالگورکی را باور دارند و هم نظر خان ملک ساسانی را درباره نقش انگلستان در بهایی شدن یهودیان. از سوی دیگر گویا دولت اسرائیل نیز که به بهائیانها ظنین است فعالیت مرکز بهائیان در حیفا را زیر بازرسی دقیق دارد و اجازه فعالیت مذهبی و تبلیغ به «دارالعدل اعظم» آنها نمی دهد. و همچنین اینگونه به نظر می آید که در مورد فراماسونری نیز بهائیت، که فراماسونری را یک سازمان پنهان کاری شبه مذهبی می انگارد، هرگز اجازه پیوستن به لژهای فراماسونری را به اعضا جامعه بهائیت نمی دهد و اساساً بهائیانها در سوئدن ایرانیان نسبت به فراماسونری سهیمند.<sup>۶۲</sup>

در اینجا باید تأکید کنیم که جعلی بودن اسنادی مانند وصیتنامه پطرکیبیر، خاطرات لاهوتی، یادداشت های کیتیاژ دالگورکی و یا پرتوکل بزرگان یهود به این معنا نیست که روسیه تزاری و یا دولت شوروی هیچ گونه مطامع استعماری نسبت به ایران نداشته و یا بهائیت و یهود مبراً از هر اتهامی و یا خطایی و یا توطئه ای است. منظور این است که با این اسناد آن اتهامات را نمی توان وارد ساخت و در هر مورد باید به ارائه سند لازم پرداخت.

### ۳- جذابیت توهم توطئه برای ایرانیان

توهم توطئه در میان همه ملل کم و بیش دیده می شود، اما نوع و میزان و گستره آن متفاوت



است. توهم توطئه در خاورمیانه بیش از مناطق دیگر جهان رواج دارد و در ایران بیش از کشورهای دیگر خاورمیانه. همانطور که در این بررسی کوتاه می‌بینیم ایرانیان به انواع و اقسام توطئه باور دارند و برای آنان دسیسه‌بینی در هر واقعه و حادثه‌ای از ابزار متداول برای تبیین علّی رویدادهای اجتماعی است. عوامل مؤثر در جذابیت توهم توطئه در فکر ایرانی را می‌توان در عوامل سیاسی، فرهنگی و روانی-اجتماعی بررسی کرد.

### ۳.۱. عوامل سیاسی

عوامل سیاسی در رواج توهم توطئه چند نوع است. اول توطئه‌چینی قدرت‌های بزرگ در اوضاع و احوال نیمه استعماری؛ دوم توطئه‌پردازی رقبای خارجی و دستگاه امنیتی کشور برای مقاصد سیاسی و کوشش مناوم برای لجن مال کردن رجال کشور؛ و سوم فقدان آزادی بیان و برخورد آزاد و سالم عقاید و آراء گوناگون که موجب آسیب‌پذیری مردم در برابر شایعات گوناگون توطئه‌پردازان می‌شود.

مهمترین عامل در اشاعه توهم توطئه عامل عینی یعنی تجربه توطئه واقعی است. به نظر ما هیچ یک از کشورهای خاورمیانه جز ایران شرایط نیمه استعماری را تجربه نکرده‌اند. در شرایط نیمه استعماری، که دو قدرت استعماری به رقابت با یکدیگر می‌پردازند و بر علیه یکدیگر هم توطئه‌چینی و هم توطئه‌پردازی می‌کنند، زمینه مساعد برای پرورش توهم توطئه فراهم می‌شود. بنابراین جای شگفتی نیست که از سال ۱۹۰۷، که کشور ما رسماً در وضعیت نیمه استعماری قرار گرفت، توهم توطئه نیز همراه آن پدید آمد و به سرعت رشد کرد. از آن پس قدرت‌های بزرگ به انواع توطئه‌چینی‌ها برای هدف‌های سیاسی و اقتصادی خویش پرداختند که از اهم آنها قرارداد ۱۹۱۹ و کودتاهای ۱۲۹۹ و ۱۳۳۲ و اعمال نفوذ در تشکیل کابینه‌ها و تشکیل فراکسیون‌ها در مجلس و حمایت رسمی از عوامل و ابادی خود و گسترش رسم پترسپردگی و مسابقه رجال در تبلیغ و حتی اغراق در لوبق‌های خارجی آنان است.

عامل مؤثر دیگر، «توطئه‌پردازی» از سوی قدرت‌های رقیب خارجی و دستگاه‌های امنیتی داخلی است. توطئه‌پردازی خارجی‌ها علیه یکدیگر بیشتر در همان شرایط نیمه استعماری و هنگام ضعف دولت مرکزی واقعیت پیدا می‌کند. چنانچه در سه دهه نخستین قرن حاضر سفارتخانه‌های روس و انگلیس و فرانسه و آلمان و عثمانی که در ایران فعال بودند دائماً علیه یکدیگر توطئه‌پردازی می‌کردند. این امر پس از اشغال ایران در جنگ دوم از سر گرفته شد که یکی از نمونه‌های اعلای آن تألیف خاطرات لاهوتی به وسیله مأموران سیا و جزوه‌هایی بود که همان سازمان علیه دولت ملی دکتر مصدق تهیه و بخش می‌کرد.



اما دستگاه‌های دولتی ایران و دستگاه‌های امنیتی کشورتیز در پخش شایعات بی اساس و توطئه پردازی نقش عمده‌ای داشته و دائماً در تلاش بوده‌اند که اذهان مردم را از امور واقعی به امور واهی منحرف کنند. از بهترین نمونه‌های اینگونه توطئه پردازی‌ها آثار اسماعیل رائین است که از حمایت دستگاه امنیتی برخوردار بود. از جمله دیگر کسانی که در این زمینه قلم زده‌اند، دکتر مهدی بهار، ابراهیم

صفائی و ابوالفضل قاسمی هستند. هدف عمده کتاب فراماسونری رائین آن بود که غالب رجال کشور را به نوکری انگلستان متهم کند، در حالی که هدف کتاب «میراث خوار استعمار» بقلم دکتر مهدی بهار، متهم کردن رهبران نهضت ملی شدن نفت به باز کردن پای آمریکا به ایران بود تا مسئولیت دولت شاه در واقعه کودتای ۲۸ مرداد و قرارداد با کنسرسیوم نفت پرده پوشی کند. سرتیپ هاشمی مدیر کل ساواک در باره کتاب فراماسونری می‌گوید «روزی اسماعیل رائین به خانه من آمد و اظهار داشت، شخصی به نام جواهری که از اعضای مهم سازمان فراماسونری و در ردیف بنیانگران آن است، فوت کرده است و اسناد آن هنوز در خانه اش است. سپس می‌افزاید که ساواک به راهنمایی رائین و هاشمی آن اسناد را از همسر جواهری تحویل می‌گیرد. پس از چند روزی اسماعیل رائین اظهار داشت مشغول تألیف کتابی درباره فراماسونری در ایران هستم. . . . وقتی . . . . جلد اول آنرا مطالعه کردم، دیدم بیشتر محتویات آن با استفاده از مذاکره به دست آمده از خانه جواهری تهیه شده است. ۶۳ معمولاً دستگاه‌های دولتی نیز از شایعه‌پذیری و علاقه عمیق مردم نسبت به توهّم توطئه برای نشان دادن قدرت خود استناد می‌کردند. چنانکه از این شایعات که انگشت ساواک در غالب حوادث دخیل است و یا مرگ شخصیت‌هایی نظیر تختی، آل احمد، سید حسن ارستجانی، دکتر علی شریعتی و حاج سید مصطفی خمینی به وسیله ساواک صورت گرفته است برای ایجاد رعب و وحشت در مردم استفاده می‌کردند. استدلاله علم در این باب می‌گوید:

«عرض کردم قتل بختیار/ اینکام عجیبی که مردم کرده است . . . یک عده دیگر هم از این قدرت عجیب دستگاه شاهنشاه، ماستها را کیسه کرده‌اند. حتی می‌گویند آن دو نفر جوانی که هواپیمای ملی ما را ربودند، مأمورین ساواک بودند که می‌خواستند رد گم کنند و آنها هم در قتل بختیار شرکت کردند. شاهنشاه خندیدند.

فرمودند این قسمت که مهمل است ولی شما تأیید بکنید. چه بهتر که قدرت ما هم مثل قدرت سابق انگلیسها افسانه‌ای بشود. ۶۴»

توطئه

بین المللی

یهود برای

سلطه بر جهان

به «پروتوکل

بزرگان یهود»

نسبت داده

می شود،

سندی که در

اصل از سوی

پلیس مخفی

روسیه تزاری

جعل شد ولی

هنوز در

خاورمیانه

به عنوان

سندی اصیل

مورد استناد

است.

همین شیوه شایعه پراکنی و توطئه پردازی را در سراسر کتاب خاطرات فردوست نیز می‌بینیم و در نشریات گوناگون سال‌های اخیر شاهد آن هستیم که خود نیاز به مقاله جداگانه مستقل دارد که از حوصله این بررسی کوتاه بیرون است.

عامل مؤثر دیگر در اشاعه توهم توطئه، فقدان آزادی بیان و برخورد سالم عقاید و آراء و فرهنگ سیاسی لازم برای تساهل سیاسی و عقیدتی است. نویسندگان ما در دورانی که آزادی بیان دارند از آزادی قلم سوء استفاده می‌کنند و بدون احساس مسئولیت و عدم درک آثار خسران بار آن بر نسل جوان کشور به نشر شایعات بی‌اساس می‌پردازند و به هنگام تحمیل سانسور و اختناق تنها به نشر شایعاتی می‌پردازند که دستگاه‌های دولتی به آنها القاء می‌کنند.

### ۳.۲. عوامل فرهنگی

عوامل ریشه دار فرهنگی، عوامل سیاسی را تشدید و تقویت می‌کنند. از جمله اعتقاد به ثنویت که از دوران پیش از اسلام در ادیان ایرانی اهمیت داشته و شالوده فکری توهم توطئه را شکل می‌دهد. چنانکه در بخش اول این مقاله دیدیم توهم اساطیری توطئه که در افسانه‌های باستانی ایران متجلی می‌شود و در شاهنامه فردوسی انعکاس یافته است سرشار از توهم توطئه «انیران» بر علیه «ایران» است. از توطئه‌های شرق و غرب بر علیه ایزد، مؤسس اساطیری ایرانشهر، با تأسیس ملوک طوایف به اغرای ارسطو و به دست اسکندر گرفته تا داستان‌های رستم و سهراب و اسفندیار و سیاوش همگی حکایت از توطئه‌های بیشمار دارند.

گذشته از آن اعتقاد به قضا و قدر و رمل و اسطرلاب و طالع بینی و دسیسه‌های فلک کج رفتار و نیروهایی که از حیطه دخالت انسان بیرون است از عواملی هستند که توهم توطئه را تقویت می‌کند. خصوصیات اسطوره‌ای تاریخ نگاری سنتی ایرانی و علاقه ایرانیان به شیوه تفکر اسطوره‌ای و تمایل شدید آنان به اغراق شاعرانه حتی در مسائل سیاسی و اجتماعی نیز در تقویت توهم توطئه بی‌تأثیر نبوده است.

چنانکه در ابتدای این مقاله متذکر شدیم انگیزه افراد در اتساب علت به وقایع سیاسی از موقعیت اجتماعی و منافع گروهی آنان نشأت می‌گیرد. با اینکه منافع گروهی در همه جوامع نقش عمده‌ای در پیدایش و اشاعه توهم توطئه دارد، به نظر می‌رسد که تأثیر آن بر ایرانیان بیشتر و عمیق‌تر است. شاید فرهنگ سیاسی ایران، که تساهل فکری و تحملی عقاید سیاسی دیگران و برخورد عقاید و آراء را ارج نمی‌گذارد، از عوامل اصلی این امر باشد. از آنجا که احساس مسئولیت و رعایت انصاف در قضاوت‌های فردی و جمعی و اعتدال فکری در جامعه ماحکم کیمیا دارد، به نظر

نمی‌رسد که در آینده نزدیک دگرگونی محسوس در کاهش تمایل ایرانیان به شایعه‌پردازی و توهم توطئه پیدا شود.

مکتب

## یادداشت‌ها

۱. برای مباحث نظری و مثال‌های تاریخی و بررسی‌های علمی دربارهٔ توهم توطئه، نگاه کنید به کتاب‌ها ارزش، C. Graumann and S. Moscovici, eds., *Changing Conceptions of Conspiracy*, New York, 1987.
۲. حاج مخبرالسلطنه مهدیقلی هدایت، *خطرات و خطرات*، تهران، ۱۳۲۹، ص ۱۱۰.
۳. برای بحث جالبی دربارهٔ رسم سرسپردگی نگاه کنید به: جواد شیخ‌الاسلامی، افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران عصر قاجار، تهران، ۱۳۶۹، صص ۸-۲۴. شیخ‌الاسلامی به دو عامل مهم توجه نکرده است. یکی ناپلمنی قضایی به عنوان عامل اصلی تحمیل کابینولاسیون و دیگر نقش رجال سرسپرده در اشاعه شایعه سرسپردگی خویش به سفارتخانه‌های خارجی. برای بحث جالبی در زمینهٔ عامل آخر نگاه کنید به کتاب اپوری که شخصاً شاهد ناظر این‌گونه اعمال رجال ایران بوده است: P. Avery, *Modern Iran*, London, 1965, P. 40.
۴. برای داستان کمندی توهم توطئه بریتانیا نگاه کنید به داستان شیرین ایرج پزشکی‌نژاد، *دالی جان ناپلئون*، تهران، ۱۳۵۱ برای بررسی توطئه‌ها و توطئه‌پردازی‌ها و توجهات توطئه‌بریتانیا در ایران نگاه کنید به محمود طلوعی، *ترس از انگلیس*، تهران، ۱۳۶۹.
۵. احمد خان ملک ساسانی، *دست پنهان سیاست انگلیس در ایران*، تهران، ۱۳۳۱، ص ۱.
۶. همان، صص ۲۳-۴۱.
۷. همان، صص ۱-۶، ۶۳-۶۸.
۸. همان، صص ۸۳-۸۵.
۹. همان، صص ۷۸، ۸۳.
۱۰. محمود محمود، *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی*، تهران، ۱۳۳۳، در ۸ جلد، ص ۲۱۴۱.
۱۱. همان، صص ۲۱۴۰-۲۳، ۲۲۵۰.
۱۲. همان، ص ۲۲۵۹.
۱۳. نگاه کنید به: جواد شیخ‌الاسلامی، *سیمای احمد شاه قاجار*، تهران، ۱۳۶۵.
۱۴. ابرالقاسم کجحال‌زاده، *دیدها و شنیده‌ها، به‌کوشش مرتضی کامران*، تهران، ۱۳۶۳، صص ۲۰۸-۲۹۹.

۱۵. برای فهرست این اتهامات نگاه کنید به آثار زیر: برای اتهام کاملایی مورد تأسیس راه آهن برای استفاده در جنگ جهانی دوم، نگاه کنید به بیانات زنده نام دکتر محمد مصدق (مجلس چهاردهم در کمی استوان . سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم، ج ۱، تهران ۱۳۲۹، ص ۱۳۲ در مورد راه آهن و حجاب نگاه کنید به جلال آل احمد، غرب زدگی، تهران، ۱۳۲۳، ص ۱۴۱ برای فرهنگستان زبان نگاه کنید به غلامرضا مصور رحمانی، کهنه سرباز، تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۴۲۵ برای تأسیس بانک ملی و نشر اسکناس نگاه کنید به جعفر شهری بام، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، ج ۲، تهران ۱۳۶۷، صص ۲۱۹-۲۲۱، ۲۲۹. برای اتهام تأسیس حوزه علمیه بنسبت رضا شاه و انگلستان نگاه کنید به یحیی دولت آبادی، حیات یحیی، ج ۴، تهران ۱۳۲۹، صص ۲۸۹-۲۹۱.

۱۶. برای توطئه پردازی خبرنگاران فرانسوی و اطریش نگاه کنید به کتاب زیشکا،

A. Zischka, La guerre secrete pour le Petrole, Paris, 1934.

برای تأثیر آن در ایران نگاه کنید به، ابوالفضل لسانی، طلای سیاه یا بلای ایران، تهران ۱۳۲۹، صص ۲۲-۱۸۶ مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران، تهران، ۱۳۲۵، صص ۲۵۰-۲۵۹.  
و برای آگاهی از مجزیه سقاخانه آقا شیخ هادی و شایعات بی اساس درباره آن نگاه کنید به: هدایت، همان، صص ۱۴۶۲-۱۴۶۳ سامانی، همان، صص ۳۷۸-۳۸۲ حسین اعظام قسسی، کتاب خاطرات من، ج ۲، تهران، ۱۳۲۳، صص ۶۶۹-۶۷۱. برای تحلیل درست و رد شایعات نگاه کنید به: محمد تقی بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ج ۲، تهران، ۱۳۶۲، صص ۱۱۵-۱۱۷ حسین مکی، تاریخ هیئت ساله ایران، ج ۳، صص ۹۳-۱۱۵ عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۳، تهران، ۱۳۲۳، صص ۶۲۷-۶۲۵.  
۱۷. دکتر محمد مصدق، خاطرات و تالیفات مصدق، به کوشش ایرج افشار، بی جا، ۱۳۶۵، صص ۱۱۸-۱۹۹.

۱۸. برای تحلیل تاریخی این واقعه نگاه کنید به جناب شیخ الاسلام، «دایستان سیرجان کدمن» ... مجله آینده، سال ۱۳، شماره ۳-۱، فروردین - خرداد ۱۳۶۶، صفحات ۶۳-۸۲.

۱۹. به عنوان نمونه نگاه کنید به: M.R. Pahlavi, Mission for My Country, New-York, 1961, pp. 82-100.

برای پاسخ به این اتهامات نگاه کنید به دکتر محمد مصدق، همان، صص ۳۳۸-۳۹۷.

۲۰. برای شبه ای از دخالت انگلستان در امور داخلی ایران در این دوران نگاه کنید به: «گفتگویی با شیخ عبدالله گله داری» در ره آورد، پاییز ۱۳۷۱، صص ۲۱۲-۲۳۲. برای جریان انتقال سلطنت نگاه کنید به محمود طلوعی، همان، صص ۱۲۲-۱۳۷.

۲۱. برای این گونه توطئه پردازی ها نگاه کنید به: ر. پشوتن، ایران در آتش، وین، ۱۹۸۲، ج ۲، صص ۵۲-۱۵۵ علی شعبانی، بهران، تهران ۲۵۳۵، صص ۶-۵، ۱۸-۱۹، برای توضیح درباره تأسیس حزب توده نگاه

کنید به احسان طبری، کژ راهه، تهران، ۱۳۴۶، صص ۲۶-۲۹. برای توهم توطئه مشترک روس و انگلیس به منظور تشکیل دولت جمهوری پلست رزم آراه نگاه کنید به محمد ترکمان، اسرار قتل رزم آراه، تهران، ۱۳۷۰، صص ۲۴۳-۲۴۵.

۲۲. مید حسن تنی زاده، زندگی طوفانی، به کوشش ایرج افشار، تهران ۱۳۷۲، صص ۳۴۲-۳۴۳.

۲۳. امیر اسداله علم، یادداشتهای علم، ویرایش و با مقدمه مشروحی درباره شاه و علم از علینقی عالیخانی،

واشنگتن، ۱۹۹۳، ج ۲، صص ۲۸۹، ۳۲۲.

۲۴. همان، ص ۱۱۶.

۲۵. همان، ص ۱۹۸.

۲۶. M.R. Pahlavi, Answer to History, New York, 1980, p.71; and نگاه کنید به:

Mission for My Country. op cit., pp 82-110.

۲۷. نگاه کنید به: A. Pahlavi, Faces in the Mirror, Englewood Cliffs, 1980, pp.

199-200; also Answer to History, p. 15

۲۸. به عنوان نمونه نگاه کنید به حسین ملک. برود پروژه های سیاسی در صحنه ایران، تهران، ۱۳۶۰، صص

۷-۱۰.

۲۹. نگاه کنید به: R. Dreyfuss, Hostage to Khomeini, New York, 1980; L. LaRouche،

The Final Defeat of Ayatollah Khomeini, New York, 1982.

۳۰. نگاه کنید به: M. Atkin, "Myths of

Soviet-Persian Relations", in N. Keddie and M. Gasiorowski, eds., Neither East nor West,

New Haven, 1990.

۳۱. شرح زندگانی جن قاضی ابوالقاسم لاهوتی، ص ۷۳، بر نام. برای اینکه این سنگ جمعی را داناند ویلبر تهیه

کرده است نگاه کنید به: D. Wilber, Adventures in the Middle-East, Princeton, 1986, pp 191.

۳۲. نگاه کنید به محمد رضا پهلوی، ۱۹۶۱، همان، ص ۳۱.

۳۳. نگاه کنید به دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لایحه جاسوسی، ج ۲۷، صص ۲، ۶۶، ۷۰-۷۱،

۱۳۶-۱۴۱، ۲۵۲.

۳۴. همان، ص ۱۳۰.

۳۵. محمد رضا پهلوی، ۱۹۸۰، همان، ص ۱۲۵.

۳۶. برای اقدامات خودسرانه دوتر نگاه کنید به ابوالحسن ابتهاج، خاطرات ابوالحسن ابتهاج، به کوشش

علیرضا عروسی، لندن، ۱۹۹۱، صص ۲۲۶-۲۵۲.

۳۷. مصاحبه های نویسنده با ویلبر در سال ۱۹۸۷ و با هاجکینس در سال ۱۹۹۱.

۲۸. نگاه کنید به مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، ۱۳۷۰، صص ۱۸۰-۱۸۱.
۲۹. نگاه کنید به: M. Hertz "Some Intangible Factors in Iranian Politics," American Embassy, Tehran to Department of State", No. A-702, 15 June 1964.
۳۰. برای تفصیل مطلب نگاه کنید به: A. Ashraf, "State and Agrarian Relations before and after the Iranian Revolution: 1960-1990", in F. Kazemi and I. Waterberg, Peasants and Politics in the Middle East, Miami, 1991, pp. 277-311.
۳۱. محمد رضا پهلوی، ۱۹۸۰، همان، صص ۱۷۱، ۱۷۳.
۳۲. نگاه کنید به: G. Sick, All Fall Down, New York, 1985; R. Huges, Mission to Tehran, London, 1986;
- مثل یوسف آب خواهیم شد، مذاکرات شورای فرماندهان ارتش، دی-بهمن ۱۳۵۷، تهران، ۱۳۶۵.
۳۳. محمدرضا پهلوی، ۱۹۸۰، همان، ص ۱۵۵.
۳۴. ف. دانا، امپریالیزم و فروپاشی کشاورزی در ایران، تهران، ۱۳۵۸، صص ۱۲۱-۴۶.
۳۵. م. آرش، «تئوری توطئه و توطئه‌زدگی»، شهید، ۷، ۱۳۵۵، ص ۲.
۳۶. بابک، «تئوری توطئه در عمل»، کاوش ۲، بی تا، صص ۳۵-۳۲ جنبش انقلابی، بیانه بی تا، ۱۹۸۴
- همپا ناطق، «ایران متحد در کردتا و انقلاب»، زمان نو، ۸، ۱۳۶۲، صص ۱۱-۲۲
47. A.H. Bani Sadr, My Turn to Speak, Iran, The Revolution, and Secret Deals with the U.S., Washington. D.L., 1991
۳۸. نگاه کنید به: شاهنامه، بگوشش جلال خالقی مطلق، دفتر یکم، نیویورک، ۱۳۶۶، صص ۱۰۶-۱۲۵.
۳۹. دکتر احمد فردید، «تلقی هدایت در چاله هرز ادبیات فرانسه»، در اطلاعات ۲ اسفندماه ۱۳۵۲، ص ۱۹.
۵۰. جلال آن احمد، همان.
۵۱. ذبیح بهروز، «ادبیات» بر کتاب اسلان غفاری، قصه سکندر و دارا، تهران، ۱۳۴۳، ص ۱۲۹
- همچنین نگاه کنید به ذبیح بهروز، تقویم و تاریخ در ایران، تهران، ۱۳۳۱، صص ۹-۱۲.
۵۲. ذبیح بهروز، همان؛ اسلان غفاری، همان.
۵۳. حسین ملک، نبرد پروژه‌های سیاسی در صحنه ایران، تهران، ۱۳۶۰، تولد غولها، پاریس، بی تا.
۵۴. دکتر علی شریعتی، بازشناسی هویت ایرانی اسلامی، تهران، ۱۳۶۰، صص ۲۲۶-۲۳۸.

روش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۵۵. شجاع الدین شفا، پاسخهایی به پرسشهای هزار ساله، پاریس ۱۳۴۲، صص ۵۸-۹۰.
۵۶. امیر اسدالله علم، همان، ج ۲، ص ۲۶۲.
۵۷. همان، ص ۲۲.
۵۸. همان، ص ۳۸۷.
۵۹. احمد کسروی، بهائیکری، تهران، ۱۳۲۲، صص ۸۹-۹۰.
۶۰. احمد خان ملک سلسانی، همان، ص ۱۰۲.
۶۱. همان، ص ۱۰۱.
۶۲. مصاحبه های نگارنده با تعدادی از یهودیان و بهائیان ایران در خارج از کشور در چارچوب تحقیق دانشگاهی.
۶۳. سرتیپ منوچهر هاشمی، داوری، سخنی در کارنامه ساواک، لندن، ۱۳۷۳، صص ۲۶۳،

۲۶۲

۶۲. امیر اسدالله علم، همان، ص ۸۶



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی